

پادشاهی، عهدا و کانن عهد عتیق

درس دوم

پادشاهی خدا



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پادشاهی، عهدها، و کائن عهد عتیق (درس شماره ۲: پادشاهی خدا)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) گسترده و محدود

بدون تغییر

در حال بسط

(۳) تاریخ آغازین

جایگاه

آماده‌سازی‌های اولیه

گسترش پایدار

مردمان

کاهنان

ولیعهدها

پیشروی

پیمان‌شکنی کیهانی

فساد و داوری

راهبرد بلند مدت

(۴) قوم اسرائیل

مکان

کانون اصلی

بسط

مردمان

انتخاب اسرائیل

پادشاهی کاهنان

کاهنان و پادشاهان

پیشروی

وعده

خروج و فتح

کاهنان و پادشاهان

(۵) عهد جدید

مکان

مرکز

بسط

مردمان

مسیح

ایمانداران

پیشروی

(۶) نتیجه‌گیری

پادشاهی خدا

مقدمه

در زبان انگلیسی عبارتی برای توصیف افرادی داریم که در جزئیات غرق می‌شوند. ما معمولاً می‌گوییم که چنین فردی «به خاطر درخت‌ها نمی‌تواند جنگل را ببیند.» حال، بسیاری از فرهنگ‌ها عبارات مشابهی دارند، و بنابراین درک منظور ما دشوار نیست. می‌شود به راحتی تا جایی در جزئیات گم شد که دیگر نمی‌توانیم چگونگی کنار هم قرارگیری همه بخش‌ها را ببینیم. بنابراین، اغلب در بسیاری از موقعیت‌های پیچیده و مغشوش به همدیگر یادآوری می‌کنیم که قدمی به عقب برداریم و به تصویر کلی نگاه کنیم.

لازم است که در رویکردمان به عهد عتیق هم این توصیه را در ذهن داشته باشیم. جزئیات عهد عتیق به قدری پیچیده هستند که می‌توان به راحتی در اسامی، اماکن، رویدادها، تعالیم الاهیاتی و دستورات اخلاقی آن گم شد و بینش‌مان نسبت به پیوستگی اساسی عهد عتیق را از دست بدهیم. برای غلبه بر این مشکل، باید عقب برویم و تصویر بزرگی را ببینیم که تمام عهد عتیق را به هم پیوند می‌دهد.

این دومین درس از مجموعه دروس «پادشاهی، عهدها، و کانن عهد عتیق» است و عنوان «پادشاهی خدا» را به آن داده‌ایم. پادشاهی خدا نقشی بنیادین در ایمان اسرائیل باستان داشت. بنابراین یک درک صحیح از پادشاهی، جامع‌ترین و یکپارچه‌ترین دیدگاه‌هایی را ارائه می‌دهد که می‌توانیم در مورد عهد عتیق داشته باشیم.

هر فرد آشنا با کتاب مقدس می‌داند که کتاب‌های کانن عهد عتیق بسیار با هم تفاوت دارند. آنها درباره موضوعات متفاوت در سبک‌های مختلف نوشته شدند و به نیازهای قوم خدا در زمان‌ها و شرایط گوناگون پرداختند. با این حال، نویسندگان این کتاب‌ها همیشه از دیدگاه‌های بنیادینی نوشتند که بین آنها مشترک بود. همه نویسندگان عهد عتیق باور داشتند که خدا در دوره‌های مختلف تاریخ، مجموعه‌ای از عهدهای بزرگ را با قوم خود منعقد ساخت. آنها همچنین باور داشتند که همه این عهدها برای تحقق یک هدف اصلی طراحی شده بودند – برای اجرای پادشاهی خدا تا به اقصای زمین گسترش پیدا کند.

این درس به چهار بُعد تعهد بنیادین و متحدکننده اسرائیل برای پیشبرد پادشاهی خدا خواهد پرداخت. نخست، خواهیم دید که چطور کتاب مقدس درباره پادشاهی یا حکمرانی خدا، هم در معنای گسترده و هم در معنای محدود آن صحبت می‌کند. دوم، به پادشاهی خدا در طی تاریخ اولیه، یعنی زودهنگام‌ترین مراحل تاریخ زمین، نگاه خواهیم کرد. سوم، بسط پادشاهی خدا در تاریخ قوم اسرائیل را بررسی خواهیم کرد. و چهارم، خواهیم دید که مفهوم عهد عتیقی پادشاهی خدا چگونه در عصر عهد جدید محقق می‌شود. بیایید ابتدا به طریقی نگاه کنیم که عهد عتیق درباره حکمرانی خدا در معنای وسیع و محدود آن صحبت می‌کند.

گسترده و محدود

بسیاری از مسیحیان درباره پادشاهی خدا شنیده‌اند چون بارها در عهد جدید به آن اشاره شده است. تنها بیش از ۶۰ ارجاع به پادشاهی خدا در اناجیل متی، مرقس و لوقا وجود دارد. در این درس، خواهیم دید که چطور این تاکید عهد جدید بر پادشاهی خدا، ریشه در عهد عتیق دارد. پادشاهی‌ها و امپراتوری‌ها، پادشاهان و امپراتوران آنقدر بخش گسترده‌ای از تجربه اسرائیلیان باستان بودند که نویسندگان کتاب مقدسی نیازی به ارائه توضیح صریح و مختصری از پادشاهی خدا احساس نکردند. اما این حقیقت، امروزه یک مشکل بزرگ برای من و شما ایجاد کرده است. به دلیل فاصله‌مان از دنیای باستان عهد عتیق، باید با بیان مختصری از مفهوم اساسی پادشاهی خدا آغاز کنیم که درست زیر سطح هر صفحه از عهد عتیق قرار دارد.

راه‌های زیادی وجود دارد که چگونگی صحبت عهد عتیق از پادشاهی خدا را خلاصه کنیم، اما ما فقط به دو مسیر نگاه می‌کنیم. نخست خواهیم دید که در معنای گسترده، حکمرانی خدا کامل و بدون تغییر است. و دوم، در معنای محدود، حکمرانی خدا ناکامل، و در حال بسط در طول تاریخ است. بیایید ابتدا حکمرانی کامل و بدون تغییر خدا را بررسی کنیم.

بدون تغییر

در مزمور ۹۳: ۱-۲، این ستایش از خدای خالق را می‌یابیم:

خداوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است. خداوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است. ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و جنبش نخواهد خورد. تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از قدیم هستی (مزمور ۹۳: ۱-۲).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، این حقیقت که خدا هر چیز را آفریده و حفظ می‌کند باعث شد که مزمور نویس اعلام کند، «خداوند سلطنت گرفته.» او پادشاه برتر تمام خلقت است. عهد عتیق بارها و بارها این باور بنیادین را تایید می‌کند. خدا همه چیز را آفریده و حفظ می‌کند و بر همه حاکم است. در این معنای گسترده‌تر، حکمرانی یا پادشاهی او فراگیر و بدون تغییر است. این باور به حکمرانی تزلزل‌ناپذیر و فراگیر خدا به عنوان خالق و حافظ، یکی از بارزترین تفاوت‌های بین ایمان اسرائیلیان باستان و مذاهب ملل پیرامون آنها است. مذاهب همسایه معمولاً اینطور تعلیم می‌دادند که خدایان مختلف برای حاکمیت با هم در رقابت بودند و نیروی این خدایان با تغییر شرایط، اوج و حضیض داشت. در برخی موارد تصور می‌شد که خدایان با چرخش سالانه فصول، به قدرت می‌رسند یا از آن ساقط می‌شوند. در موارد دیگر، باور بر این بود که خدایان با پیروزی و شکست ملت‌های‌شان در جنگ، به موقعیت‌های اقتدار آسمانی صعود یا از آن سقوط می‌کردند.

اما چنین تصویری در ایمان کتاب مقدسی وجود نداشت. یهوه، خدای اسرائیل، یگانه خالق و حافظ همه، حکمران تزلزل‌ناپذیر بر کل آفرینش - حتی بر موجودات قدرتمند روحانی یا به اصطلاح «خدایان» - بود. در گذر از هر چرخه طبیعت، و هر فتح و شکستی در جنگ، سلطنت

خدا فراگیر و بدون تغییر است. از این منظر، تمام آفرینش همیشه قلمرو پادشاهی او بوده و خواهد بود.

پس، خدا بر همه چیز پادشاهی می‌کند. شما این را در باب ۱ پیدایش می‌بینید، در اینکه چطور همه چیز در آفرینش از او اطاعت می‌کنند. مزمور ۲۴ می‌گوید، «زمین و پُری آن از آن خداوند است» چون او آنها را آفرید. «این پادشاه جلال کیست؟ خداوند.» می‌بینید؟ او بر همه چیز پادشاه است. او مالک همه چیز است و این هرگز تغییر نخواهد کرد... اگر کتاب مقدس را از پیدایش تا مکاشفه دنبال کنید، می‌بینید که خدا بر هر جنبه‌ای از آفرینش و بشریت حاکم است.

- دکتر جاناتان ورتینگتون

خدا حاکم مطلق است، و آرمینیوسی‌ها و کالونیست‌ها هر دو در این موضع هستند. این موضع با وضوح کامل در کتاب مقدس دیده می‌شود؛ خدا کاملاً حاکم است و ما در همه وقت از اراده او پیروی می‌کنیم، و انتخاب ما اراده او را زیر سوال نمی‌برد.

- دکتر گرنت آزبورن

نویسندگان عهد عتیق همانقدر که در معنای گسترده باور داشتند حکمرانی خدا بر خلقت کامل و بدون تغییر است، به همان میزان هم از یک معنای دوم و محدود صحبت کردند که در آن پادشاهی یا حکمرانی خدا ناکامل، و در حال بسط در طول تاریخ بود.

در حال بسط

وقتی کتاب مقدس از پادشاهی خدا به عنوان چیزی در حال بسط صحبت می‌کند، بر این نکته تمرکز دارد که خدا چطور حاکمیت تزلزل‌ناپذیر خود را در گذر زمان نشان می‌دهد یا آشکار می‌کند. حال، اکثر مسیحیان امروزی هرگز در یک پادشاهی که پادشاهان بشری بر ملت‌های خود اقتدار لجام‌گسیخته‌ای دارند، زندگی نکرده‌اند. بنابراین اغلب از اهمیت و برجستگی این موضوع در کتاب مقدس غافل می‌شویم. نویسندگان عهد عتیق برای اشاره به اینکه خدا پادشاهی خود را در تاریخ آشکار می‌کند، غالباً از تصاویر متداول پادشاهان الهی و انسانی استفاده کردند که ما امروزه آنها را نمی‌شناسیم. برای مثال، آنها از خدا به عنوان یک معمار و بناکننده سلطنتی، پدر سلطنتی قوم خود، شریعت‌بخش و عهدگذار صحبت کردند. آنها خدا را به عنوان یک جنگاور سلطنتی، شوهر، و شبان توصیف کردند.

مردمان امروزی اغلب، پادشاهان و پادشاهی‌ها را صرفاً به عنوان نظام‌های سیاسی و حتی نفرت‌انگیز تصور می‌کنند. اما مضمون کتاب مقدسی ظهور پادشاهی خدا بر زمین، تصویری غنی و حتی پر جلال است. این تصویر، شگفتی حاکمیت بی‌رقیب خدا بر تمامی آفرینش، و پادشاهی او بر زمین به عنوان آرمان شکوهمند ما را آشکار می‌کند.

در سرتاسر عهد عتیق و جدید، خدا از تخت آسمانی خود فرامین سلطنتی صادر کرده است. او مردم قلمرو پادشاهی خود را مانند پدري که فرزندانش را دوست دارد، محبت می‌کرد. لشگرهای فرشتگان و انسانی خودش را به عمل فراخواند. هنگامی که ملت‌ها، از جمله قوم محبوب خود، اسرائیل را ایجاد کرد یا شکست‌شان داد، مانند یک پادشاه عمل می‌کرد. هدف بزرگ این تجلیات تاریخی حاکمیت خدا برای هر مخلوقی در هر کجا بود تا اذعان کند که خدا پادشاه است. در نهایت تمام آفرینش محلی برای محبت، شادی، نیکویی، عدالت، شفا و صلح برای قوم خدا از هر قوم و قبیله خواهد شد. و خدا زمین را با جلال مرئی خود پر خواهد ساخت و برای اینکه کیست و چه کرده، ستایش‌های بی‌پایان دریافت می‌کند.

یک راه ساده برای معرفی این مضمون عهد عتیق، این است که به سراغ عبارات آغازین «دعای ربانی» برویم. عیسی در متی ۶: ۹-۱۰ هنگامی که به شاگردان خود آموخت تا به طریق ذیل دعا کنند، دیدگاه‌های عهد عتیق در مورد پادشاهی در حال بسط خدا را خلاصه کرد:

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود (متی ۶: ۹-۱۰).

هنگامی که عیسی به ما تعلیم داد تا دعا کنیم «ملکوت تو بیاید»، چیزی را بیان کرد که هر نویسنده عهد عتیق اشتیاق دیدن آن را داشت. صحبت از آمدن پادشاهی برای مسیحیان بسیار متداول است، اما اغلب تشخیص نمی‌دهیم که ریشه این باور در عهد عتیق قرار دارد. بنابراین باید لحظه‌ای درنگ کنیم و ببینیم که وقتی عیسی به ما تعلیم داد تا برای آمدن پادشاهی دعا کنیم، چه منظوری داشت.

وقتی عیسی به شاگردانش تعلیم می‌دهد که چطور دعا کنند، با ترسیم یک مجموعه کلی از مزامیر، چکیده آن را در این شکل اجمالی از یک دعای صادقانه بیان می‌کند. اما دعا اینطور شروع می‌شود: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید.» حالا به این دقت کنید که حتی برای عیسی، پدر بودن خدا مستقیماً به پادشاهی او گره خورده است. خدا صرفاً یک پدر نیست، او شاه-پدر است. و بنابراین، وقتی شما به عنوان یک پسر وفادار به حضور پدرتان می‌آیید، می‌خواهید که پادشاهی او بسط پیدا کند. می‌خواهید حاکمیت او را در تمام جوانب زندگی بشر ببینید.

- دکتر اسکات رد

عیسی منظور خود از این تعلیم که برای آمدن پادشاهی خدا دعا کنیم را با پیروی از سنت شعر عبری باستان توضیح داد. عیسی در وهله نخست از خدا با عنوان «پدر آسمانی» صحبت می‌کند؛ یعنی اشاره‌ای به خدا به عنوان پدر سلطنتی، پادشاهی که در آسمان بر تخت نشسته است.

و به ما تعلیم داد تا دعا کنیم که نام خدا مقدس داشته شود - «نام تو مقدس باد.» او در شرح دقیق این درخواست، تصدیق کرد که نام خدا زمانی مقدس داشته خواهد شد که پادشاهی او بیاید. و سپس عیسی برای توضیح اینکه منظورش از آمدن پادشاهی خدا چیست، این نکته را اضافه کرد که پادشاهی یا حکمرانی خدا زمانی در کاملیت آن خواهد آمد که اراده او انجام شود. اما دقت کنید که عیسی می‌خواست اراده خدا در کجا انجام شود: «چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.» بر خلاف آنچه که امروزه بسیاری از مسیحیان باور دارند، عیسی تعلیم نداد که هدف تاریخ برای قوم خدا این است که ابدیت را با خدا در آسمان بگذرانند. بلکه بر عکس، عیسی تعلیم داد که هدف تاریخ این است که اراده خدا، همانطور که هم‌اکنون در دربار آسمانی برقرار است، روی زمین انجام بشود.

امید قطعی ما این است که یک روزی خواهد آمد که خدا همه چیز را نو می‌کند... ما می‌توانیم این را به ویژه در کلمات زیبایی ببینیم که عیسی به ما، شاگردان خودش، تعلیم داد تا دعا کنیم و گفت، «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.» اندیشه حیاتی، مرکزی، و بنیادین مسیحی این است که ما اکنون در دوره انتظار برای تبدیل واقعیت‌های آسمانی به واقعیت‌های زمینی زندگی می‌کنیم؛ طریقی که وقتی نام خدا مقدس داشته می‌شود امور در آسمان انجام می‌شوند، زمانی که همه چیز درست است، و عدالت و جلال و حقیقت و محبت حاکم هستند. امید ما مسیحیان، امید قطعی ما، این است که آن حقایق آسمانی به حقایق زمینی تبدیل خواهند شد. و این همان چیزی است که کتاب مقدس در امید به عنوان خلقت جدید، خانه ابدی ما، وعده می‌دهد.

- دکتر جاناتان پنینگتون

برای درک بهتر اینکه چطور عیسی امید داشت زمین مانند آسمان شود، به دانیال ۷: ۹-۱۰ دقت کنید. در اینجا یک تصویر معمول از دربار آسمانی خدا را می‌یابیم:

و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود و لباس او مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌های آن آتش ملتهب بود. نه‌ری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند (دانیال ۷: ۹-۱۰).

این تصویر از آسمان، غیر معمول نیست. توصیفات مشابهی از دربار آسمانی خدا در عهد عتیق و جدید آمده است. اما دست‌کم دو بُعد در رویای دانیال وجود دارد که باید بر آنها تاکید کنیم. از یک سو، خدا حضور باشکوه و مرئی خود را در برابر مخلوقاتش در دربار آسمانی خویش نشان می‌دهد. همانطور که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد، خدا همه‌جا حاضر است - یعنی در همه جا حضور مطلق دارد. او در تمام کهکشان‌های فضای وسیع، در سیاره کوچک ما، در

جنگل‌های سرسبز و بیابان‌های خشک، در هر روستای کوچک و هر کلان‌شهر حضور دارد. با این حال، او در حضور مطلق خود تا حد زیادی نامرئی است. اما آنطور که رویای دانیال و بسیاری دیگر از قسمت‌های کتاب مقدس به ما می‌گویند، حضور خدا برای هر مخلوقی در دربار آسمانی او مرئی است. خدا بر تخت خود می‌نشیند، لباس سفید درخشانی بر تن و موهایی سفید مانند پشم دارد. تخت او از آتش می‌سوزد، و آتش سوزنده از تخت او جاری می‌شود.

این تصویر از آسمان یک بُعد از تقابلی بین زمین و آسمان است که دعای عیسی به آن اذعان می‌کند. بله، ما جلال خدا را می‌بینیم که در عجایب آفرینش منعکس می‌شود. و در تاریخ کتاب مقدسی، گاهی جلال خدا روی زمین قابل مشاهده بود. اما این دید اجمالی از جلال خدا به سختی قابل مقایسه با شکوه و جلال بی‌نظیر خدا در دربار آسمانی اوست. بنابراین، وقتی عیسی ما را فراخواند تا به خدا دعا کنیم که پادشاهی او آنطور که در آسمان است بر زمین بیاید، از ما خواست تا برای درخشش عظیم جلال مشهود خدا دعا کنیم تا به همان شکلی که اکنون آسمان را پر کرده، زمین را نیز پر کند. این همان چیزی است که یوحنا ی رسول در مکاشفه ۲۱: ۲۳، هنگامی که جلال اورشلیم جدید را توصیف کرد که با بازگشت مسیح به زمین آن را فرو خواهد گرفت، در ذهن داشت. به کلمات یوحنا گوش کنید:

شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می‌سازد و چراغش بره است (مکاشفه ۲۱: ۲۳).

وقتی عیسی به ما تعلیم داد که دعا کنیم تا پادشاهی عیسی همانطور که در آسمان است بر زمین هم بیاید، منظورش این بود که ما باید مشتاق باشیم و دعا کنیم که خداوند زمین را از جلال و شکوه سلطنتی خود پر کند.

از سوی دیگر، رویای دانیال از آسمان همچنین حضور درخشان و پر جلال خدا را با فعالیت‌های مخلوقاتی مرتبط می‌کند که در آنجا حضور دارند. همانطور که در دانیال ۷: ۱۰ می‌خوانیم:

هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کرورها کرور به حضور وی ایستاده بودند (دانیال ۷: ۱۰).

موجودات بی‌شماری در حضور تخت آسمانی خدا به او خدمت می‌کنند، او را می‌پرستند، و با فروتنی فرامین او را انجام می‌دهند.

فرشتگان در آسمان در واقع به عنوان کاهنان آسمانی عمل می‌کنند؛ آنها روز و شب به خدمت خدا در معبد او مشغول هستند و شب و روز او را می‌پرستند. و در سراسر کتاب مقدس بسیار واضح است که آنها همچنین به عنوان قاصدان خدا و معاونان او برای ما در اینجا روی زمین خدمت می‌کنند. اما عنان هر چیز مطلقاً فقط و فقط در دست خداست.

- دکتر گرنٹ آزبورن

خدا بر هر چیزی که اتفاق می افتد حاکم است. او دست کم به اتفاقات اجازه می دهد که رخ بدهند، اما بسیاری از چیزهایی که در حال وقوع هستند را تایید نمی کند و موافق آنها نیست. اما ما روزی پادشاهی ای را تجربه خواهیم کرد که در آن، مردم از اراده اخلاقی خدا اطاعت خواهند کرد. آنها مشتاقانه این کار را انجام خواهند داد، چون شریعت بر قلب های شان نوشته شده است.

- دکتر رابرت چیزولم

به همین دلیل که پولس رسول در فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱ مشتاقانه در انتظار روزی بود که:

به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر (فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱).

عیسی در خطوط آغازین دعای ربانی، مضمون عهد عتیقی پادشاهی خدا به عنوان یک واقعیت در حال بسط، تاریخی، و زمینی را خلاصه کرد. پسر خدا نیز مانند تمام انبیای وفادار خدا در طول تاریخ، مشتاق روزی بود که پادشاهی فراگیر و بدون تغییر خدا به طور کامل بر زمین ظاهر شود. در آن روز جلال خدا زمین را پر خواهد ساخت و هر مخلوقی از فرامین او به همان کمالی که در آسمان اطاعت می شود، بر زمین هم اطاعت خواهد کرد. این نگرش نسبت به تاریخ، زیربنای تمام تعالیم عهد عتیق و جدید است.

اکنون که متوجه شدیم کتاب مقدس چگونه از پادشاهی خدا در معنای گسترده و محدود آن صحبت می کند، می توانیم به بررسی این موضوع بپردازیم که کتاب مقدس چطور بسط تاریخی پادشاهی خدا بر زمین را به تصویر می کشد. با دوره ای از زمان شروع می کنیم که اغلب «تاریخ آغازین» خوانده می شود و وقایعی را پوشش می دهد که در پیدایش ۱: ۱-۱۱: ۹ توصیف شده اند.

تاریخ آغازین

وقتی که ما او انجلیکال های امروزی تاریخ آغازین پیدایش را مطالعه می کنیم، اغلب مشغول چیزهایی می شویم که درباره قدمت زمین، خاستگاه حیات انسان، و سایر مسائل علمی معاصر می گوید. این موضوعات مهم هستند اما به آسانی حواس ما را از اینکه چطور این باب ها نخست اسرائیلیان باستان را با اولین مراحل چگونگی بسط پادشاهی خدا بر زمین آشنا کردند، پرت می کنند. همانطور که کمی بعدتر خواهیم دید، تاریخ آغازین تاکید می کند که خدا چطور در این دوره به عنوان پادشاه عمل کرد؛ یعنی اینکه چطور اقتدار سلطنتی خود را برای ایجاد، نظم بخشی، و قابل سکونت ساختن جهان مرئی به کار برد تا مکانی باشد که حاکمیت خود را از آسمان به آنجا گسترش دهد.

تاریخ آغازین دوره‌ای را پوشش می‌دهد که از باب ۱ تا ۱۱ پیدایش می‌بینیم؛ که تاریخ پیش-ابراهیمی است. بنابراین، خاستگاه جهان را به شکلی که در باب ۱ پیدایش می‌بینیم پوشش می‌دهد. حتی آفرینش بشر و اینکه انسان چطور در این به وجود آمد را هم پوشش می‌دهد. سبت و ازدواج را نیز، قانون ازدواج را، و نحوه برخورد خدا با قوم خود پیش از ابراهیم و اینکه چه رفتاری با نوح و طوفان داشت را پوشش می‌دهد.

- دکتر دانیل سیمانگو

ما با اشاره به سه موضوع، به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت که چطور تاریخ آغازین، پادشاهی در حال بسط یا حکومت خدا در تاریخ زمین را معرفی می‌کند: نخست اینکه چطور این بخش از کتاب مقدس، زمین را به عنوان جایگاه پادشاهی خدا توصیف می‌کند؛ دوم چطور مردم را برای اهداف پادشاهی خدا شناسایی می‌کند؛ و سوم، چطور پیشروی پادشاهی خدا در طی این دوره را به تصویر می‌کشد. بیایید ابتدا زمین را به عنوان جایگاه پادشاهی خدا ببینیم.

جایگاه

باب‌های آغازین کتاب پیدایش، آشکار می‌کنند که زمین ساخته شد تا از بسیاری جهات، جایگاه حاکمیت سلطنتی خدا باشد؛ اما ما فقط بر دو مورد تمرکز خواهیم کرد. نخست، خواهیم دید که چطور آماده‌سازی‌های اولیه خدا برای آفرینش، بازتاب اهداف سلطنتی او برای زمین بود. و دوم، خواهیم دید که خدا چطور زمینه را برای گسترش پایدار پادشاهی خود بر زمین فراهم کرد. بیایید با نگاه به آماده‌سازی‌های اولیه خدا در طرح سلطنتی شکوهمند او برای آفرینش شروع کنیم.

آماده‌سازی‌های اولیه

برای درک آنچه که تاریخ آغازین در مورد آماده‌سازی‌های اولیه خدا برای پادشاهی او بر زمین می‌گوید، باید فعلاً بسیاری از سوالات مدرن خود را کنار بگذاریم. لازم است که ابتدا از خود بپرسیم اسرائیلیان باستان چه درکی از داستان نقل‌شده در پیدایش ۱: ۱-۲: ۳ داشتند. آگاهی از این نکته مفید است که در سراسر جهان باستان، هم پادشاهان الهی و هم پادشاهان انسانی، اغلب به عنوان معماران و بناکنندگان بزرگ مورد احترام قرار می‌گرفتند. در همین راستا، تعدادی از مفسران نشان داده‌اند که داستان آفرینش، خدا را به عنوان معمار و بناکننده سلطنتی حقیقی الهی معرفی می‌کند که خلقت را به عنوان کاخ سلطنتی عظیم خود طراحی کرد. هر بار که روایت آفرینش به خدا اشاره می‌کند که می‌گوید، «بگذار [چنین شود]»، او را در حال هدایت ساخت و ساز آفرینش از طریق فرامین سلطنتی و از تخت آسمانی‌اش نشان می‌دهد. به همین طریق، روایات مشابه در دیگر ادبیات باستانی نشان می‌دهند که استراحت خدا در روز سبت، او را نشسته بر تخت خود به تصویر می‌کشند تا به خاطر اجرای موفقیت‌آمیز اقتدار و قدرت سلطنتی خود بر آفرینش، احترام دریافت کند. بدین طریق و راه‌های دیگر، آغاز کتاب پیدایش به اسرائیلیان باستان آموخت

که چطور خدای آنها، معمار و بناکننده‌ی الهی، در ابتدا قدرت سلطنتی خود را از آسمان به جهان مرئی بسط داد.

داستان آفرینش با این کلمات آشنا در پیدایش ۱: ۱ آغاز می‌شود:

در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید (پیدایش ۱: ۱).

این کلمات آغازین، نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که خداوند دو قلمرو یا سطح آفرید – آسمان در بالا و زمین مرئی در پایین. در پیدایش ۱: ۲-۲: ۳ خدا شروع به بنای زمین به عنوان مکانی کرد که سلطنت پر جلال او از آسمان به زمین گسترش پیدا کند. می‌توانیم این قسمت از پیدایش را به سه بخش تقسیم کنیم که از هرج و مرج اولیه‌ی جهان شروع می‌شود. به طریقی که پیدایش ۱: ۲ زمین را توصیف می‌کند گوش بدهید:

زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه، و روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت (پیدایش ۱: ۲).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، در ابتدا زمین یا آفرینش تحت آسمان، «تهی و بایر»، و با تاریکی و ژرفی پوشیده بود.

در این مرحله، زمین در تضادی شدید با دربار شکوهمند آسمانی خدا قرار گرفت. همانطور که اندکی پیش‌تر دیدیم، در سرتاسر کتاب مقدس، آسمان مملو از جلال خیره‌کننده‌ی خدا است، اما زمین در این مرحله چنین نبود. اصطلاح عبری‌ای که در اینجا «تهی» و «بایر» ترجمه شده، در بخش‌های دیگر عهد عتیق برای اشاره به مکان‌های بیابانی و وحشی روی زمین، یعنی اماکنی که عمدتاً برای انسان غیر قابل سکونت هستند استفاده شده‌اند. و اصطلاحات «تاریکی» و «ژرفی» در سراسر کتاب مقدس مفاهیمی بسیار منفی دارند.

اما پیدایش ۱: ۲، از حقیقت بنیادین دیگری درباره‌ی آغاز تاریخ زمین به ما خبر می‌دهد. می‌گوید، «روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت.» خدای نور و حیات راضی نبود که زمین را در اوضاع آشفته‌ی آغازین خود رها کند. روح او شروع به حرکت در جهان تاریک و عاری از حیات کرد.

دومین بخش عمده‌ی روایت آفرینش در باب ۱ پیدایش، درباره‌ی شش روز نظم‌بخشی جهان توسط خدا برای تبدیل به یک عمارت سلطنتی در آیات ۳ تا ۳۱ است. این شش روز، الگوی قابل تشخیصی را نشان می‌دهند که حکمت و قدرت بی‌نظیر معماری خدا را به تصویر می‌کشند. در سه روز نخست، خداوند به واقعیت پرداخت که جهان بی‌شکل بود. در سه روز دوم، او به موضوع تهی و بایر بودن زمین رسیدگی کرد. اعمال خدا در این دو دوره سه روزه، به شکل‌های قابل توجهی شبیه هستند.

در روز اول، خدا روز را شکل داد و تاریکی را به شب محدود کرد. و به طریق مشابه، در روز چهارم خورشید و ماه و ستارگان را برای حفظ این نظم در آسمان قرار داد. خدا در روز دوم اتمسفر را شکل داد و آب‌های تحتانی را از آب‌های فوقانی جدا کرد. سپس در روز پنجم، این فضای بین آب‌ها را با پرندگان و آب‌های زیر دریا را نیز با مخلوقات پر ساخت. در روز سوم، خدا آب‌های زیرین را با تشکیل زمین سرسبز و حاصلخیز مهار کرد. و بعد در روز ششم، حیوانات زمین و انسان‌ها را بر روی زمین خشک قرار داد. خداوند در حین نظم‌بخشی و ازدیاد ساکنین جهان، حکمت و قدرت سلطنتی غیر قابل قیاسی به نمایش گذاشت.

سومین و آخرین بخش از داستان آفرینش، در ۲: ۱-۳ سبت را به تصویر می‌کشد. مانند آیات پیشین، این روایت نیز بر خدا به عنوان معمار سلطنتی و بناکننده آفرینش تاکید می‌کند. در پیدایش ۲: ۳ می‌خوانیم:

پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود، زیرا که در آن آرام گرفت، از همه کار خود که خدا آفرید و ساخت (پیدایش ۲: ۳).

در این تصویر می‌بینیم که خدا بر تخت خود در آسمان نشست، از دستاوردهای خود راضی بود و به خاطر آنچه انجام داد، احترام دریافت کرد. کار او به قدری شکوهمند بود که بعداً در ده فرمان به اسرائیل دستور داد تا در هر سبت، این دستاوردهای او را گرامی بدارند.

در واقع، پیدایش ۱: ۱-۲: ۳ به ما می‌گوید که خدا به مدت شش روز از تخت آسمانی خود احکام سلطنتی‌ای صادر کرد که جهان را از ظلمت و آشفتگی به یک عمارت باشکوه سلطنتی مبدل ساخت. و در پایان، خدا به عنوان معمار و بناکننده سلطنتی آفرینش، برای آنچه انجام داد احترام دریافت کرد.

دیدیم که خدا چطور آماده‌سازی‌های اولیه برای محل اهداف پادشاهی خود را در آغاز پیدایش انجام داد. اکنون باید به ویژگی خاصی از این طرح سلطنتی بپردازیم که اغلب نادیده گرفته می‌شود. خدا همچنین مکشوف ساخت که گسترش پایدار حکمرانی سلطنتی خود را تا اقصای زمین، مقرر کرده بود.

گسترش پایدار

پیدایش ۱: ۳-۳۰ شش بار به ما می‌گوید که وقتی خدا به آفرینش خود نگاه کرد، دید که «نیکو» است. و در آیه ۳۱، در روز ششم، او به کار خود نگاه کرد و دید همه آنچه انجام داده «بسیار نیکو» بود. واژه‌ای که «نیکو» ترجمه شده - «تُو» (tov - tov) در عبری - در اینجا و بخش‌های دیگر عهد عتیق به معنای «دلپذیر»، «خوش»، و حتی «زیبا» است. وقتی کتاب مقدس می‌گوید که آفرینش نیکو بود، یعنی اینکه خدا کار خود را تایید کرد. اما همانطور که به زودی خواهیم دید، آنچه خدا انجام داد تنها شروع چیز بسیار عالی‌تری بود که می‌رفت تا روی زمین رخ بدهد.

خیلی اوقات، مسیحیان صادق به اشتباه بر این باورند که وقتی خدا گفت آفرینش او «بسیار نیکو» بود، منظورش این بود که هیچ کاری برای انجام یا چیزی برای بهبود باقی نمانده است. اما اصلاً اینطور نبود. به هر روی در پیدایش ۲: ۱۸ خدا همچنین گفت، «خوب نیست که آدم تنها باشد.» تاریکی، آشفته‌گی، و ژرفایی که زمانی جهان را در بر گرفته بود، تنها محدود شده بود؛ اما حذف نشده بودند. خدا با قرار دادن بشر در باغ مقدس و سلطنتی خود آغاز کرد. اما خدا همچنین در پیدایش ۱: ۲۸ آدم را خواند تا زمین را پر کند، بر آن مسلط شود، و بر تمامی آن حکم براند. آفرینش در پایان اولین هفته آغازین «بسیار نیکو» بود، اما تنها به این معنی که همه چیز حاضر بود – آماده تحقق اهداف سلطنتی بزرگ خدا برای خلقت او.

همانطور که در پیدایش ۲: ۸-۹ می‌خوانیم:

خداوند خدا باغی در عدن به طرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشت. و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوش خوراک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را (پیدایش ۲: ۸-۹).

اینطور در مورد این مسئله فکر کنید: در باب‌های آغازین پیدایش، خدا جهان را به طریقی شکل داد که اغلب هنرمندان پیش از نقاشی کامل یک منظره، طرح‌هایی با مداد روی بوم‌های‌شان می‌کشند. خدا نظم اساسی لازم برای جهان را ایجاد کرد تا یک روز به چیزی تبدیل شود که برای آن برنامه‌ریزی کرده بود، اما کل بوم جهان را بلافاصله نقاشی نکرد.

در عوض، خدا در حکمت و صف‌ناپذیر خود تنها بخشی از زمین را با رنگ‌های شکوهمند نقاشی کرد و آن را به عنوان مرکز، زینت داد. این ناحیه از زمین، عدن نامیده می‌شد. درون عدن باغی قرار داشت – مکانی با زیبایی حیرت‌انگیز، فردوس مقدس شکوهمند که مناسب حضور خاص پادشاه آسمان بود. این باغ به قدری مقدس و جدا از مابقی آفرینش بود که خدا در آنجا قدم زد و جلال مرئی خود را به نمایش گذاشت. اما اگرچه باغ بسیار با شکوه بود، هدف خدا برای تاریخ این نبود که زمین در این وضعیت باقی بماند. بلکه قرار بود تمام زمین مانند باغ مقدس عدن شود تا روزی جلال مرئی او تمام آفرینش را پر کند. وضعیت زمین در پایان هفته اول، فقط نقطه شروعی بود برای تمام آنچه که عهد عتیق در مورد پادشاهی تاریخی و در حال گسترش خدا تعلیم می‌دهد.

لزوم ذاتی آفرینش ما این است که مباشر باشیم، که مخلوقات خدا و در رابطه با او باشیم، مرزهای آن باغ مقدس را گسترش بدهیم، و این کار را در پرستش، سرسپردگی، اطاعت، کاوش در همه منابع خلقت او انجام بدهیم و البته در نهایت نیز، وارد آسمان‌ها و زمین جدید خواهیم شد.

- دکتر استفان ولوم

تا اینجا دیدیم که دوره آغازین با آماده‌سازی دنیا توسط خدا برای اینکه محل پادشاهی در حال گسترش و تاریخی او باشد، شروع شد. اکنون باید به دومین جنبه مهم آنچه در کتاب مقدس ثبت شده بپردازیم: یعنی نقشی که خدا برای مردم در این مرحله از تاریخ جهان تعیین کرد.

مردمان

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که کتاب مقدس چقدر به انسان‌ها اشاره می‌کند؟ تقریباً غیر ممکن است بتوان یک صفحه از کتاب مقدس را پیدا کرد که به نوعی به مردم اشاره نکرده باشد. و در نگاه اول ممکن است این نکته عجیب به نظر برسد، چون ما معمولاً کتاب مقدس را به عنوان مکاشفه‌ای در مورد اینکه خدا کیست و چه کرده است می‌دانیم. و این قطعاً صحیح است. اما نمایش تاریخ کتاب مقدس همچنین بر نقش ویژه و حیاتی‌ای که انسان‌ها در برنامه خدا برای خلقت دارند تاکید می‌کند. البته، انسان‌ها جدا از رحمت خدا نمی‌توانند هیچ کار نیکویی انجام بدهند. و به همین دلیل، در مفهومی غایی، همه جلال تنها به خدا تعلق دارد. با این حال، کلام خدا روشن می‌سازد که او چنین مقرر ساخت که اهداف پادشاهی خود را عمدتاً از طریق نژاد بشر تحقق ببخشد. به همین دلیل است که کتاب مقدس حرف‌های زیادی در مورد مردم برای گفتن دارد. این گفته‌ها توضیح می‌دهند که چرا عهد جدید بر انسانیت عیسی تاکید می‌کند؛ یعنی تنها انسان کامل و عادل که برآورنده اهدافی است که انسان‌ها در ابتدا برای آن خلق شدند.

این نقش ویژه برای بشریت در پیدایش ۲: ۱۸ روشن می‌شود که خدا درباره آدم در باغ عدن چنین گفت:

خداوند خدا گفت: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم» (پیدایش ۲: ۱۸).

خدا پیش‌تر در باب ۱ پیدایش، خدا چنین نتیجه‌گیری کرد که آفرینش «بسیار نیکو» است. اما او همچنین چیزی در باغ سلطنتی خود یافت که «خوب» نبود – اینکه آدم همسری نداشت. اما چرا این خوب نبود؟ چون خدا بشریت را برای هدفی خلق کرد که بسیار بزرگتر از آن بود که یک نفر به تنهایی بتواند آن را به انجام برساند. افراد زیادی لازم بودند تا نقش بشریت در گسترش پادشاهی خدا بر روی زمین را به انجام برسانند.

این نقش حیاتی برای مردم، به دو شکل توصیف می‌شود. خدا آدم و حوا را آفرید تا به عنوان کاهنان و ولیعهدها، یا نمایندگان سلطنتی او خدمت کنند. این نقش‌ها در کتاب مقدس به هم مرتبط هستند، اما ما به طور جداگانه آنها را بررسی خواهیم کرد و با خدمت انسان‌ها به عنوان کاهنان خدا شروع می‌کنیم.

کاهنان

از یک سو، به آدم – و بعد حوا نیز همراه او – وظیفه خدمت به عنوان کاهن خدا سپرده شد. او خوانده شده بود تا خدا را با اعمال پرستشی خود تکریم کند. پیش‌تر متذکر شدیم که در رویای دانیال، مخلوقات بی‌شماری در حضور خدا، در دربار آسمانی او خدمت می‌کردند. و این همان چیزی است که آدم و حوا نیز خوانده شده بودند تا بر زمین انجام دهند. ما می‌توانیم این نقش کهناتی برای بشریت را در پیدایش ۲: ۱۵ ببینیم که این کلمات را می‌خوانیم:

خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید (پیدایش ۲: ۱۵).

در نگاه اول، شاید فکر کنیم که قسمت مذکور صرفاً به این نکته اشاره می‌کند که خدا آدم را به باغبانی فرا خواند. اما او وظیفه‌ای بسیار بیشتر از این داشت چون باغ عدن، باغی مقدس و سلطنتی برای خدا بود. عبارت «تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید» غیر معمول است و برای موسی و اسرائیل باستان اهمیت خاصی داشت. در تعدادی از بخش‌ها، عبارات مشابه در تورات برای توصیف کار کاهنان و لویان در حضور جلال خدا در خیمه استفاده شده است. برای مثال، در اعداد ۳: ۸ می‌خوانیم:

آنها باید مسئولیت تمام لوازم خیمه و نیز انجام وظایف بقیه بنی‌اسرائیل را به عهده بگیرند (اعداد ۳: ۸؛ ترجمه شریف).

توصیف نقش آدم و حوا در باغ، منعکس‌کننده این توصیف از نقش لویان در خدمت کهناتی به خدا است. آدم و حوا در باغ مقدس و سلطنتی خدا، محل جلال پادشاه الاهی روی زمین، قرار داده شدند. آنها در آنجا به طریقی خدا را خدمت کردند که بعدها کاهنان و لویان در خیمه، جایی که جلال خدا در برابر اسرائیل ظاهر شد، خدمت کردند. آدم و حوا خوانده شدند تا تمام کارهای خود را به عنوان خدمت مقدس کهناتی انجام دهند؛ یعنی به عنوان اعمالی که برای تکریم پادشاه بزرگ الاهی در عبادت طرح‌ریزی شده بودند.

از سوی دیگر، اولین مردمانی که روی زمین زندگی کردند، تنها به عنوان کاهنان خدا خدمت نکردند. خدا همچنین آنها را خواند تا به عنوان ولیعهدها، یا نمایندگان سلطنتی او نیز خدمت کنند. در واقع، آدم و حوا کاهنان سلطنتی خدا بودند.

ولیعهدها

چنین توصیفی از آدم و حوا را در پیدایش ۱: ۲۶ می‌یابیم که اینطور نوشته شده است:

خدا گفت: «آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید» (پیدایش ۱: ۲۶).

هر فرد آشنا با کتاب مقدس می‌داند که این متن و بسیاری از قسمت‌های دیگر در عهدهای عتیق و جدید، انسان‌ها را «تصویر» یا «شبیه» خدا می‌نامند. در گذشته، غالب الاهی‌دانان فکر می‌کردند که این صرفاً یعنی انسان‌ها منطقی، اخلاقی، و مخلوقاتی روحانی هستند. اگرچه این دیدگاه‌های سنتی مسیحی درست است، اما موضوع تمرکز باب ۱ پیدایش نیستند.

برای درک اهمیت اینکه خدا انسان‌ها را تصویر و شبیه خود می‌خواند، مفید است که از یک عمل رایج در دنیای باستان آگاه باشیم. خارج از اسرائیل، فراعنه، پادشاهان و امپراتوران، اغلب «تصاویر»، «مشابهت‌ها» و حتی «پسران» خدایان‌شان خوانده می‌شدند. تصور می‌شد آنها تصاویر زنده‌ای هستند که منافع خدایان‌شان را بر روی زمین نمایندگی می‌کنند. پادشاهان به عنوان نمایندگان آسمان، در جوامع باستانی این وظیفه ویژه را بر عهده داشتند که اراده خدایان‌شان در آسمان را کشف کنند و سپس با استفاده از اقتدار سلطنتی‌شان، این اراده را روی زمین تحقق ببخشند. بنابراین جای تعجب نیست که عیسی از پیروان خود خواست دعا کنند تا اراده خدا بر زمین نیز مانند آسمان انجام شود. این، وظیفه سلطنتی او بود.

استیفان در اعمال ۷: ۲۲ یادآور شد که موسی طریق‌های دربار مصر را آموخته بود. موسی به خوبی می‌دانست که فراعنه مصر و پادشاهان سایر ملل اغلب «تصاویر»، «مشابهت‌ها» یا «پسران» خدایان‌شان خوانده می‌شدند تا آنها را از انسان‌های عادی متمایز کنند. اما موسی تحت الهام روح القدس با این باور نادرست شایع، مخالفت کرد. در ابتدا، خدای راستین اسرائیل به واقع اعلام کرده بود که همه انسان‌ها – نه فقط تعداد انگشت‌شماری از پادشاهان و امپراتوران – تصاویر خدا و کاهنان سلطنتی حقیقی او هستند. این باید برای اسرائیلیان باستان درس دشواری بوده باشد. این درس مستلزم آن بود که این بردگان سابق، دیدگاه‌شان نسبت به خود و نقش‌شان در جهان را تغییر دهند. خدا هر اسرائیلی را به همراه هر انسان دیگری مقرر کرده بود تا به عنوان نمایندگان سلطنتی و کهناتی او خدمت کنند.

و در عصر حاضر، فرهنگ‌های سکولار امروزی اغلب به ما تعلیم می‌دهند که انسان‌ها اندکی بیش از نتیجه شرایط تصادفی تاریخی هستند. اما روایت کتاب مقدسی از ما می‌طلبد تا دیدگاه‌مان نسبت به خود و دیگر مردمان را با آنچه خدا در ابتدا درباره ما گفت تطبیق بدهند. همه ما به عنوان تصاویر کهناتی و سلطنتی خدا آفریده شده و فرا خوانده شده‌ایم تا اطمینان حاصل کنیم که اراده خدا بر روی زمین، همانطور که در آسمان است، انجام می‌شود.

در پیدایش ۱: ۲۷-۲۸ می‌بینیم که خدا در خلال بیان برکت از تخت آسمانی خود، خدمت بشریت را توضیح داد:

پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط

نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید» (پیدایش ۱: ۲۷-۲۸).

از همان ابتدا، خدا همه افراد بشر را خواند تا تصاویر کهناتی و سلطنتی او باشند و تا چیزی را محقق کنند که الاهی‌دانان اغلب آن را «حکم فرهنگی» می‌خوانند. همانطور که دیدیم، خداوند میزانی از نظم و زیبایی را در آفرینش مقرر ساخت و بشریت را در باغ شگفت‌انگیز و مقدس خود قرار داد تا به عنوان کاهنان سلطنتی به او خدمت کنند. پادشاه بزرگ آسمان، انسان را به عنوان ابزار بسط پادشاهی خود تعیین کرد. افراد بشر می‌بایست تکثیر می‌شدند، پخش می‌شدند، و تمام زمین را مانند باغ خدا می‌ساختند تا اراده او را به زمین بیاورند و در سراسر جهان به او خدمت کنند. بسط پادشاهی خدا در سراسر جهان، هدفی بود که خدا انسان‌ها را برای آن روی زمین قرار داد.

حال، فکر می‌کنم باید بپذیریم که به عنوان انسان‌های امروزی، خیلی کم به هدف وجودی خود از این منظر می‌اندیشیم. وقتی کسی از شما می‌پرسد، «چه می‌کنی؟»، چند بار پاسخ داده‌اید، «خُب، من متمر ثمر هستم؛ تکثیر می‌شوم؛ زمین را پر می‌کنم و از طرف خدا بر آن مسلط می‌شوم؟» این مفاهیم برای بسیاری از پیروان مسیح به قدری غریبه هستند که به ندرت فکر می‌کنیم تا آنچه در زندگی‌مان انجام می‌دهیم را از این راه‌ها توصیف کنیم. بنابراین، اگر خودتان را درباره هدف زندگی‌تان سردرگم احساس می‌کنید، تعجب نکنید. ما باید هدف‌مان در زندگی را با توجه به آنچه خدا در ابتدا درباره انسان گفت پیدا کنیم. ما آفریده شدیم تا کاهنان سلطنتی خدا باشیم. ما آفریده شدیم تا اطمینان حاصل کنیم که حاکمیت خدا تا اقصای زمین گسترش پیدا می‌کند، تا روزی تمام آفرینش از جلال مرئی خدا برای ستایش بی‌پایان او مملو شود.

دیدیم که در تاریخ آغازین، خدا زمین را به عنوان محل پادشاهی خود، و مردم را نیز به عنوان خدمتگزاران پادشاهی خویش تعیین کرد. اکنون باید خلاصه‌وار، پیشروی پادشاهی زمینی و در حال بسط خدا در طی این زمان را ترسیم کنیم.

پیشروی

اگر آدم و حوا در گناه سقوط نکرده بودند، مسیر خدمت بشر به عنوان تصویر خدا مسئله‌ای نسبتاً ساده می‌بود. آدم و حوا فرزندان می‌داشتند، فرزندان آنها نیز فرزندان خود را به دنیا می‌آوردند و همینطور ادامه پیدا می‌کرد. و این تعداد انبوه از تصاویر کهناتی و سلطنتی خدا با هم زمین را پر می‌ساختند، بر آن مسلط می‌شدند، و مطابق فرامین خدا بر آن حکومت می‌کردند. اما همانطور که همه ما به خوبی می‌دانیم، اوضاع به این شکل پیش نرفت. گناه، به سرعت مسیر مستقیم بشریت را به راهی طولانی و پیچیده از مشکلات تبدیل کرد. با اینحال، علیرغم این مشکلات در ابتدای تاریخ آغازین، خدا به بشر اطمینان داد که هدف او برای آنها شکست نخواهد خورد.

چیزهای زیادی می‌توان درباره پیشروی ملکوت خدا در طی دوره تاریخ آغازین گفت، اما ما آن را در سه مرحله خلاصه می‌کنیم. در وهله اول، از پیمان‌شکنی کیهانی که رخ داد صحبت

خواهیم کرد. دوم، خواهیم دید که چطور فساد بشریت افزایش پیدا کرد و منجر به داوری سخت الاهی شد. اما سوم، متوجه خواهیم شد که خدا یک راهبرد بلند مدت ایجاد کرد که به بشریت توان می‌بخشد تا اهداف پادشاهی او را تحقق ببخشند. بیایید ابتدا به پیمان‌شکنی کیهانی نگاه کنیم که علیه پادشاه الاهی رخ داد.

پیمان‌شکنی کیهانی

آدم و حوا به جای تحقق‌بخشی وفادارانه آنچه که پادشاه الاهی‌شان فرمان داده بود، تسلیم و سوسه شیطانی شدند و با خوردن میوه ممنوعه تمرد کردند. بنابراین، به جای گسترش باغ عدن به چهار گوشه زمین، از باغ اخراج شدند تا تحت یک لعنت زندگی کنند. با این وجود، وظایف بشریت به عنوان بناکنندگان پادشاهی به پایان نرسید. آدم و حوا، و فرزندان‌شان هنوز باید تکثیر می‌شدند و در خدمت خدا، بر زمین تسلط پیدا می‌کردند. اما خدا بشریت و زمین را لعنت کرد و از همین روی، تکثیر و حکمرانی دردناک، دشوار، و ناامید کننده شد. خدا در پیدایش ۳: ۱۶ درباره تکثیر به حوا اینطور گفت:

آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد (پیدایش ۳: ۱۶).

در آیه ۱۷، خدا به آدم درباره حکمرانی اینطور هشدار می‌دهد:

به سبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد (پیدایش ۳: ۱۷).

متأسفانه، تصاویر کهناتی و سلطنتی خدا مجبور شدند در دنیایی خصمانه ساکن شوند، و در ماموریتی که خدا به آنها داده بود، درد و پوچی را تجربه کنند. ثبت پیشروی پادشاهی خدا در طی دوران تاریخ آغازین، با پیمان‌شکنی کیهانی آدم و حوا شروع می‌شود. اما فرزندان آنها قدم در مسیری از فساد گذاشتند که نهایتاً منجر به داوری سخت از سوی خدا شد.

فساد و داوری

بر طبق کتاب پیدایش، وقتی آدم و حوا در گناه سقوط کردند دیگر اینطور نبود که همه فرزندان آنها به خدا وفادار باشند. در حقیقت، هیچکدام از آنها نمی‌توانستند جدا از رحمت رهایی‌بخش خدا به عنوان تصاویر وفادار او خدمت کنند. بسیاری از نسل بشر به طغیان علیه خدا ادامه دادند. اولین پسر آدم و حوا، قائن، برادرش هابیل را به قتل رساند. و شجره‌نامه قائن در باب ۴ پیدایش به ما می‌گوید که با رشد خانواده او، طغیان‌های آنان بدتر شد. نوادگان قائن به جای خدمت به عنوان کاهنان سلطنتی خدا، با گردنکشی در برابر حکمرانی خدا ایستادند و زمین را از

بیدادگری علیه دیگر انسان‌ها پر کردند. و با گذشت زمان، بیدادگری بشر باعث شد که خدا زمین را با یک سیل جهانی، پاک کند.

همانطور که در پیدایش ۶: ۵-۷ می‌خوانیم:

خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت: «انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چون که متأسف شدم از ساختن ایشان» (پیدایش ۶: ۵-۷).

ثبت پیشروی پادشاهی خدا در طی دوران تاریخ آغازین، تنها شامل پیمان‌شکنی کیهانی بشریت و فساد آنها و داوری متعاقب آن نمی‌شود. همچنین آشکار می‌سازد که خدا یک راهبرد بلند مدت ایجاد کرد که نهایتاً منجر به گسترش پادشاهی او در سرتاسر جهان می‌شد. در حقیقت خدا مقرر ساخت که در طول زمان قومی را برای خود نجات بدهد و پادشاهی خود را از طریق آنها بنا کند.

راهبرد بلند مدت

نخستین اشاره به این راهبرد بلند مدت، در پیدایش ۳: ۱۵ آمده است. در اینجا خدا مار که باعث تحریک آدم و حوا به گناه شده بود را با این سخنان لعنت کرد:

عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه‌ی وی را خواهی کوبید (پیدایش ۳: ۱۵).

در این متن، خدا به مار اعلام کرد که نژاد بشری به دو بخش تقسیم خواهد شد: فرزندان شیطان، یا آنطور که اغلب ترجمه شده، «ذریت» - یعنی آن انسان‌هایی که خودشان را با راه‌های متمرذانه شیطان همسو می‌کنند - و فرزندان حوا، یعنی انسان‌هایی که در پی خدمت وفادارانه خدا هستند. این دو گروه از مردمان در طول تاریخ در دشمنی با یکدیگر خواهند بود. خدا همچنین وعده داد که روزی ذریت حوا - بشریت نجات‌یافته - سر مار را خواهد کوبید، و بر آنکه آنها را به پیمان‌شکنی کیهانی کشیده بود، غالب می‌شدند. این وعده، در نهایت توسط مسیح محقق شد. گوش کنید که چطور پولس در رومیان ۱۶: ۲۰ به پیروان مسیح اطمینان می‌بخشد:

خدای سلامتی به زودی شیطان را زیر پای‌های شما خواهد سایید (رومیان ۱۶: ۲۰).

امید پیروزی بر شریر، برای صورت‌های نجات‌یافته و وفادار خدا در طول تاریخ ادامه می‌یابد و در مسیح، تصویر کامل خدا، محقق می‌شود.

به خاطر راهبرد بلند مدت خدا برای پادشاهی خویش، پسر سومی به نام شیت به دنیا آمد تا جایگزین هابیل وفادار شود. همانطور که شجره‌نامهٔ باب ۵ پیدایش به ما می‌گوید، شیت و نسل‌های او خدا را تکریم کردند و در پی گسترش پادشاهی او در سراسر زمین بودند. و حتی زمانی که بیدادگری انسان به قدری زمین را پر ساخت که خدا بخش عمدهٔ بشریت را نابود کرد، یک نسل از شیت – یعنی نوح – به خدا وفادار بود و در چشمان خدا التفات یافت. بعد از سیل بزرگ زمان نوح، خدا راهبرد بلند مدت خود برای انجام خدمت بشریت به پادشاهی خویش را مجدداً مورد تأیید قرار داد.

در پیدایش ۸: ۲۱-۲۲ چنین می‌خوانیم:

بعد از این دیگر زمین را به سبب انسان لعنت نکنم، زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است، و بار دیگر همهٔ حیوانات را هلاک نکنم، چنانکه کردم. مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد (پیدایش ۸: ۲۱-۲۲).

دقت کنید که چطور خدا تصدیق کرد که همهٔ انسان‌ها حتی از دوران طفولیت، مستعد شرارت هستند. او تأیید کرد که گناه همچنان به تخریب تصویر سقوط کردهٔ او ادامه خواهد داد. بنابراین، خدا تحت نشانهٔ رنگین کمان اعلام کرد که نظم طبیعی «زرع و حصاد، سرما و گرما، زمستان و تابستان، و روز و شب» را مادامی که زمین پایرجاست، ثابت نگه خواهد داشت. اما چرا خدا این نظم ایمن برای طبیعت را پس از سیل برقرار ساخت؟ دلیل او در واژگانی روشن می‌شود که بلافاصله در پیدایش ۹: ۱ بیان کرد:

خدا، نوح و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید» (پیدایش ۹: ۱).

همانطور که این آیه به ما می‌گوید، خدا فراخوانی انسان‌ها برای خدمت به اهداف پادشاهی خود را تجدید کرد. او ثبات طبیعت را برقرار ساخت تا صورت خدا بتواند خدمت اصلی خود به پادشاهی را تحقق ببخشد.

وقتی خدا بشریت را آفرید – بر می‌گردیم به باب ۱ پیدایش – ما را به صورت خودش، مرد و زن به صورت خودش آفرید و گفت، «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید.» و این نه فقط پیش از ورود گناه... بلکه حتی پس از این است که زمین را توسط سیل ویران می‌کند؛ و نوح، همسرش، پسرانش، و همسران آنها همگی از کشتی خارج می‌شوند و خدا یک بار دیگر می‌گوید، «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید.» خدا این زمین را برای نیکویی ما و جلال خودش به ما داده است.

- دکتر ریک بوید

از این نقطه به بعد، کتاب مقدس آشکار می‌سازد که چطور مسیر خدمت بشریت به پادشاهی خدا، مستقیم یا مستمر نبود. قوم خدا با مخالفت‌های شدیدی روبرو شدند. آنها شکست خوردند و متحمل موانع زیادی شدند. با این حال، خداوند ثبات بلند مدت در طبیعت برقرار کرد تا روزی تصویر خدا وظیفه گسترش پادشاهی او تا اقصای جهان را انجام دهد.

اکنون که دیدیم کتاب مقدس درباره پادشاهی خدا در طی دوران تاریخ آغازین چه تعلیمی می‌دهد، آماده‌ایم تا به سراغ مرحله عمده بعدی از تاریخ پادشاهی در عهد عتیق برویم؛ یعنی دوره‌ای که خدا به طور ویژه به قوم اسرائیل به عنوان قوم برگزیده پادشاهی خود پرداخت.

قوم اسرائیل

به سختی می‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که قوم اسرائیل، نقش اصلی را در تاریخ کتاب مقدس ایفا می‌کنند. اما چرا؟ کتاب مقدس بر قوم اسرائیل تمرکز می‌کند چون خدا آنها را برگزید تا تمام نسل بشر را به سوی خدمتی رهنمون شوند که او برای تصاویر خود از ابتدا مقرر ساخته بود. اسرائیلیان، ذریت زن، کهنات سلطنتی، خزانه خاص، و نخست‌زاده خدا از میان ملت‌ها بودند. و به این ترتیب، باید تکثیر می‌شدند و برای خدمت به پادشاهی خدا، بر زمین تسلط پیدا می‌کردند. حال اسرائیلیان بارها در وفاداری به خدا شکست خوردند و خدا آنها را به شدت محکوم کرد، اما او هرگز این نقش اسرائیل را باطل نساخت. همانطور که به زودی خواهیم دید، خدا در سرتاسر کتاب مقدس به اسرائیل متعهد ماند تا همه اقوام را به خدمت او راهنمایی کنند.

برای اینکه ببینیم چطور پادشاهی خدا در طول تاریخ قوم اسرائیل آشکار شد، دوباره به سه موضوع نگاه خواهیم کرد. نخست به کاوشی در مکان یا محل پادشاهی می‌پردازیم. دوم، به مردمان پادشاهی در قوم اسرائیل نگاه خواهیم کرد. و سوم، پیشروی پادشاهی در اسرائیل را ترسیم خواهیم کرد. بیایید ابتدا به مکان پادشاهی خدا نگاه کنیم.

مکان

هنگامی که خدا در ابتدا آدم و حوا را بر زمین قرار داد، آنها در مکانی ویژه – یعنی باغ عدن گذاشت. اما همچنین به آنها ماموریت داد تا با برقراری اراده او در سرتاسر جهان، به عنوان تصاویر او خدمت کنند. حال همانطور که به زودی خواهیم دید، وقتی خدا ابراهیم و فرزندان او را برگزید، آنها را فرا خواند تا خود را دوباره در مسیر عدن قرار دهند که ماموریت اصلی بشریت را محقق کنند.

گوش کنید که پیدایش ۱۲: ۱-۳ چه توصیفی از اولین باری که خدا ابراهیم، پدر اسرائیل، را خواند تا خدمتگزار ویژه او باشد ارائه می‌دهد. خدا گفت:

از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود به سوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی

بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۲: ۱-۳).

به کانون جغرافیایی این متن توجه کنید. خدا ابراهیم را خواند تا سرزمین پدری‌اش در بین‌النهرین را ترک کند و به سرزمینی برود که هنوز ندیده بود. خدا ابراهیم را از اور در بین‌النهرین به سوی حران هدایت کرد. و بعدتر، ابراهیم را از حران به سرزمین کنعان خواند؛ یعنی همان سرزمینی که اغلب آن را «سرزمین موعود» می‌خوانیم. وقتی ابراهیم به کنعان رسید، خدا تایید کرد که فرزندان ابراهیم آن مکان را به عنوان وطن دائمی خود تصاحب خواهند کرد. و از آن زمان به بعد، سرزمین موعود بستری برای خدمت اسرائیل به پادشاهی شد.

فراخوانی ابراهیم به سرزمین موعود به ما کمک می‌کند که مکان پادشاهی خدا در تاریخ اسرائیل را دست‌کم از دو جهت درک کنیم. نخست، خدا ابراهیم و فرزندان او را خواند تا در کانون جغرافیایی اصلی پادشاهی او خدمت کنند. دوم، خدا اسرائیل را فرا خواند تا گستره جغرافیایی پادشاهی او را فرای مرزهای سرزمین موعود ببرند. بیابید ابتدا به این اندیشه نگاه کنیم که خدا ابراهیم و فرزندان او را فرا خواند تا در کانون اصلی پادشاهی او بر زمین، به وی خدمت کنند.

کانون اصلی

چند لحظه پیش‌تر دیدیم که مرکز اصلی پادشاهی زمینی خدا سرزمین عدن و باغ مقدس درون آن بود. متأسفانه، بسیاری از مفسرین به اشتباه چنین فرض کرده‌اند که عدن جایی در قسمت فرودست بین‌النهرین و در نزدیکی خلیج فارس بوده است. ما به طور قطعی نمی‌دانیم که قلمرو سرزمین عدن تا کجا بود. گستره این سرزمین می‌توانست در جایی باشد که اکنون آن را هلال حاصلخیز می‌خوانیم. اما خود کتاب پیدایش، پیوند نزدیکی بین سرزمین و باغ عدن و سرزمینی که خدا به ابراهیم وعده داد برقرار می‌کند.

این مکان‌یابی جغرافیایی در پیدایش ۲: ۱۰-۱۴ روشن می‌شود که خدا به توصیف مرزهای عدن می‌پردازد:

و نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد. نام اول فیشون است که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست، احاطه می‌کند. و طلای آن زمین نیکوست و در آنجا مروارید و سنگ جَزَع است. و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین کوش را احاطه می‌کند. و نام نهر سوم حدّقل که به طرف شرقی آشور جاری است. و نهر چهارم فرات (پیدایش ۲: ۱۰-۱۴).

دقت کنید که در اینجا چهار رودخانه کهن به عدن ربط داده شده‌اند. دو رود اول، فیشون و جیحون هستند. محققان هنوز در مورد اینکه رودها در کجا قرار داشتند بحث می‌کنند. اما در این

متن، آنها به سرزمین‌های حویله و کوش در جنوب غربی سرزمین موعود مرتبط شده‌اند. دو رود دوم، یعنی رودهای حدقل (دجله) و فرات، از مناطق کوهستانی سوریه امروزی به سمت شرق جاری می‌شدند. این مقدار آگاهی از محل رودخانه‌های عدن اهمیت دارد چون به طور کلی، این اماکن قرینه رودخانه‌هایی هستند که همچنین بعدتر در کتاب پیدایش به سرزمینی مربوط می‌شوند که خدا به ابراهیم وعده داد. به پیدایش ۱۵: ۱۸ و طریقی گوش کنید که خدا سرزمین موعود به ابراهیم و فرزندانش را توصیف کرد:

این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده‌ام (پیدایش ۱۵: ۱۸).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، رودخانه‌ها مرزهای سرزمین موعود اسرائیل را مشخص می‌کردند - یعنی رود مصر و رود فرات.

اکثر مفسران به درستی موافق هستند که «نهر مصر»، نیل نبود؛ بلکه یکی از چندین رودخانه یا وادی‌های شمال شرقی مصر بود. علاوه بر این، رود فرات، قسمت بالادست فرات در غرب سوریه امروزی، مرز شمال شرق سرزمین موعود را مشخص می‌کرد. بعدتر در تاریخ کتاب مقدسی، این رودخانه‌ها گستره سرزمین اسرائیل در طی حکومت داوود و سلیمان را مشخص می‌کردند.

همانطور که می‌توانیم ببینیم، مرزهای جغرافیایی سرزمین وعده تقریباً در موازات مرزهای سرزمین عدن قرار دارند. بنابراین، همانگونه که دیگر متون کتاب مقدسی نشان می‌دهند، وقتی که خدا ابراهیم را به کنعان خواند، او را به کانون اصلی جغرافیای زمین، به عدن، به جایی که آدم و حوا برای نخستین بار شروع به خدمت پادشاهی خدا کردند فرا می‌خواند.

مکان عدن نه تنها به ما کمک می‌کند تا متوجه بشویم که خدا ابتدا ابراهیم را خواند و سپس موسی را به کانون جغرافیایی اصلی ملکوت خود آورد، بلکه همچنین نشان می‌دهد که سرزمین موعود اسرائیل نقطه آغاز بسط جغرافیایی سلطنت خدا از طریق اسرائیل تا اقصای زمین بود.

بسط

مطابق وعده خدا به ابراهیم در پیدایش ۱۲: ۳، تصاحب سرزمین وعده برای هدفی بسیار بزرگتر بود. همانطور که خدا گفت:

برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۲: ۳).

در این متن خدا مستقیماً توجه ابراهیم را به تأثیری جلب می‌کند که او و خانواده‌اش بر تمام ملت می‌گذاشتند. خدا وعده داد که ملت‌های دیگر را بر اساس واکنش‌شان به ابراهیم برکت بدهد یا

لعنت کند. اما به نتیجه نهایی این روند دو سویه دقت کنید. خدا وعده داد که ابراهیم و فرزندان او برکات خدا را برای تمام خانواده‌های روی زمین به ارمغان خواهند آورد. به همین دلیل است که پولس رسول در رومیان ۴: ۱۳، وعده خدا به ابراهیم و ذریت او را اینطور خلاصه کرد:

به ابراهیم و نسل او وعده داده شد که وارث جهان خواهند شد (رومیان ۴: ۱۳؛ ترجمه هزاره نو).

آدم و حوا خوانده شدند تا تمام زمین را پر کنند و بر آن مسلط شوند، اما گناه نسل بشر را به دو دسته آنانی که خدا را خدمت می‌کردند و آنانی که خدمت نمی‌کردند تقسیم کرد. ولی خدا ابراهیم و اسرائیل را برگزید تا واسط برکات او برای تمام اقوام روی زمین باشند که او را قبول می‌کنند. و ما به عنوان پیروان مسیح می‌دانیم که این وعده از طریق عیسی، پسر بی‌عیب ابراهیم، محقق شد.

قوم اسرائیل به خوبی آگاه بودند که تعیین شده‌اند تا با تصاحب چیزی بیش از سرزمین موعود، به اهداف خدا خدمت کنند. در روزگار موسی، دو و نیم سبط اجازه یافتند تا در زمین‌های شرق رود اردن ساکن شوند. داوود، سلیمان، و دیگر پادشاهان خاندان داوود، مرزهای اسرائیل را از شمال، شرق، و جنوب گسترش دادند. حتی زمانی که اسرائیل به تبعید فرستاده شد، انبیا به قوم خدا اطمینان دادند که نه تنها به سرزمین موعود باز خواهند گشت، بلکه روزی ماشیح هادی آنها در بسط پادشاهی خدا تا چهار گوشه زمین خواهد شد.

با در نظر داشتن مکان پادشاهی خدا در روزگار اسرائیل عهد عتیق، آماده‌ایم تا به سراغ مردمان پادشاهی در طول این دوره برویم.

مردمان

پیش‌تر دیدیم که خدا با آفرینش انسان‌ها به عنوان تصاویر کهانت سلطنتی خود، به آنان افتخار بخشید. و متونی مانند پیدایش ۹: ۶ و یعقوب ۳: ۹ نشان می‌دهند که هنوز تمام انسان‌ها به عنوان تصاویر خدا، دارای افتخار و مسئولیت خدمت به اهداف پادشاهی او هستند. با این حال، خدا در حکمت غیر قابل درک خود چنین مقرر ساخت که فرزندان ابراهیم، یعنی قوم اسرائیل، نقش ویژه‌ای در راهبری گسترش حکومت خدا در سراسر جهان داشته باشند. تاریخ اسرائیل پیچیده است، اما به بیان اجمالی این مسئله کمک می‌کند که چطور خدا تضمین کرد قوم اسرائیل این مأموریت پادشاهی را به انجام خواهند رساند.

ما به سه موضوع مربوط به مردمان پادشاهی خدا در تاریخ اسرائیل نگاه خواهیم کرد: نخست، انتخاب اسرائیل به عنوان قومی ویژه؛ دوم، شکل‌دهی قوم اسرائیل به عنوان پادشاهی کاهنان؛ و سوم، تعیین کاهنان و پادشاهان رسمی از سوی خدا برای راهبری اسرائیل. بیایید ابتدا انتخاب اسرائیل به عنوان قومی ویژه را در نظر بگیریم.

انتخاب اسرائیل

همانطور که پیش‌تر دیدیم، بعد از گناه آدم و حوا، نسل بشر به دو ذریت مار – یعنی کسانی که در خدمت اهداف شیطان هستند – و ذریت زن – یعنی آنانی که در خدمت اهداف خدا هستند – تقسیم شد. بر طبق باب ۵ پیدایش، سومین پسر آدم، شیث، پدر نسلی وفادار از انسان‌ها شد که به نوح عادل و پسران و عروسان او منتهی گشت. نوح سه پسر داشت: سام، حام، و یافث. اما از بین این سه، سام و فرزندان او در نظر خدا ویژه بودند. همه این اطلاعات شجره‌نامه‌ای در کتاب پیدایش برای توضیح پس‌زمینه انتخاب اسرائیل از سوی خدا به عنوان قوم برگزیده خویش طراحی شده بود.

خدا از نسل سام یک مرد را برگزید تا به عنوان ذریت زن خدمت کند – یعنی ابراهیم، پاتریارک اسرائیل. تاریخی پاتریارکی کتاب پیدایش آشکار می‌سازد که ابراهیم، پسری معجزه‌آسا به نام اسحاق داشت که این نسل برگزیده را ادامه داد. سپس پسر اسحاق، یعقوب که به نام اسرائیل نیز شناخته می‌شود، تصویر ویژه مورد احترام خدا شد. و در نهایت، یعقوب دوازده پسر داشت، یعنی یوسف و برادرانش، و این دوازده پسر پدران دوازده سبط اسرائیل بودند. از میان تمام اقوام بشری، اسباط اسرائیل قوم ویژه خدا و مردمان پادشاهی او بودند.

در روزگار موسی، انتخاب اسباط اسرائیل از سوی خدا به عنوان قوم ویژه خود، گامی به پیش برداشت. خدا اسباط اسرائیل را از بندگی در مصر بیرون آورد و از آنها ملتی ساخت؛ یک پادشاهی از کاهنان تا هدف گسترش پادشاهی او در سرتاسر جهان را محقق کنند.

پادشاهی کاهنان

خدا در خروج ۱۹: ۴-۶ این هدف برای اسرائیل را به طور قطعی اعلام کرد. خدا در کوه سینا اینطور اعلام کرد:

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام. و اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۴-۶).

در اینجا می‌بینیم که قرار بود اسرائیل یک «امت مقدس» باشند – که ویژه، جدا شده، و به عنوان خزانه خاص خدا از جمیع قوم‌ها متمایز است. خدا تمام مردم اسرائیل را به عنوان قوم مقدس خود، «مملکت کهنه» یا به تعبیری، یک «کهنانت سلطنتی» نامید.

خروج ۱۹: ۶ و به ویژه عبارت «مملکت کهنه» به عنوان نوعی از بازتاب خواندگی اصلی بشریت، مرد و زن، در باب ۱ پیدایش عمل می‌کند. من فکر می‌کنم آنها خوانده شدند تا پادشاه باشند، تا یک نقش شاهانه بر آفرینش داشته باشند، تا بر آفرینش حکمرانی کنند... همچنین در بافت متنی، بلافاصله پس از عبارت «مملکت کهنه» عبارت «امت مقدس» آمده است. اسرائیل باید یک

ملت مقدس باشد؛ کاهنان باید مقدس و بازتاب تقدس خدا باشند، اسرائیل هم باید با تقدیس خود از طریق قوانین مختلفی که تورات را تشکیل می‌دهند، بازتاب تقدس خدا باشد.
- دکتر داگلاس گراپ

این القاب اسرائیل نشان می‌دهند که او برای پیشبرد نقشی خوانده شد که آدم و حوا به عنوان تصویر خدا در همان ابتدا داشتند. ترقی اسباط اسرائیل به یک مملکت کهنه آنها را قادر ساخت تا پادشاهی خدا بر روی زمین را به پیش ببرند.
اگرچه انتخاب اسرائیل توسط خدا به قوم او امتیازات و مسئولیت‌هایی بخشید تا به کهنات سلطنتی تبدیل شوند، اما باید همچنین توجه داشته باشیم که خدا برخی از اسرائیلیان را فرا خواند تا در مناصب ویژه کاهنان و پادشاهان راهبری کنند.

کاهنان و پادشاهان

هارون و فرزندان او کاهنان رسمی اسرائیل شدند تا قوم را به حضور ویژه خدا در خیمه، و سپس در معبد راهبر شوند. آنها پرستش، قربانی، دعاها، و ستایش اسرائیل را راهبری می‌کردند. آنها همچنین اسرائیل را در شریعت خدا تعلیم می‌دادند. و پس از زمان شائول، خدا داوود و فرزندان او را تعیین کرد تا به عنوان پادشاهان اسرائیل خدمت کنند. خاندان داوود نه تنها تعیین شده بود تا بر پرستش حقیقی خدا نظارت کند، بلکه همچنین تا اطاعت از خدا در اسرائیل و سایر ملل روی زمین را نیز اجرا کند. از این زمان به بعد، خاندان داوود می‌بایست گسترش جهانی پادشاهی خدا را راهبری می‌کرد. و البته، به همین دلیل است که عهد جدید تاکید زیادی بر این نکته دارد که عیسی، پسر داوود، امروزه کاهن اعظم و پادشاه قوم خداست. او به تنهایی همه آنچه را که این مقام‌ها برای به انجام رساندن آن طراحی شده بودند محقق می‌سازد.
با در نظر داشتن مکان و مردمان پادشاهی در قوم اسرائیل، باید همچنین به پیشروی پادشاهی که از طریق قوم اسرائیل رخ داد اشاره کنیم.

پیشروی

داستان اسرائیل در عهد عتیق هم شامل دستاوردهای مثبت و هم شکست‌های مهلک است. تقریباً هر نسل اسرائیل به نوعی علیه خدا شورش کردند و متحمل داوروی‌های موقتی خدا شدند. اما خدا بارها و بارها اسرائیل را به توبه آورد و آنها را دوباره احیا کرد. با این وجود، در اواخر عهد عتیق، گناهان اسرائیل به قدری بزرگ شدند که خدا آن را به لعنت عظیم تبعید از سرزمین موعود گرفتار ساخت. به مدت صدها سال اسرائیل نه سرزمینی، نه کهناتی، نه معبدی، و نه فرزندی از خاندان داوود داشت که آنها را در گسترش پادشاهی خدا راهبری کند. با این حال، علیرغم این شرایط وحشتناک، انبیای خدا به اسرائیل اطمینان دادند که روزی پسر بزرگ داوود بر خواهد خاست و اسرائیل را در گسترش پادشاهی خدا تا به اقصای زمین راهبری خواهد کرد.

زمان تنها به ما اجازه می‌دهد که به سه گام مهم در پیشروی پادشاهی خدا در اسرائیل عهد عتیق بپردازیم: زمان وعده؛ رویدادهای خروج و فتح؛ و زمانی که اسرائیل به یک امپراتوری تمام عیار تبدیل شد. بیایید ابتدا به آنچه در دوره وعده خدا روی داد نگاه کنیم.

و عده

وقتی درباره دوره وعده صحبت می‌کنیم، منظورمان اعصار پاتریارک‌های اسرائیل است. در طی ایام ابراهیم، اسحاق، یعقوب و پسران یعقوب، خدا وعده‌های بسیاری درباره آینده قوم داد. این وعده‌ها به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند که با اهداف اولیه‌ای که خدا در مقابل تصویر خود در باغ عدن قرار داد مطابقت دارد: وعده‌های کثرت اسرائیل و وعده‌های حاکمیت اسرائیل. در وهله اول، بسیار شبیه آنکه خدا آدم و حوا را فرا خواند تا زمین را با فرزندان خود پر کنند، به پاتریارک‌های اسرائیل نیز وعده داد که روزی فرزندان آنها بی‌شمار خواهند شد. به وعده خدا به ابراهیم در پیدایش ۱۵: ۵ گوش کنید:

”اکنون به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد.“ پس به وی گفت: ”ذُریت تو چنین خواهد بود“ (پیدایش ۱۵: ۵).

در اینجا خدا وعده داد که ابراهیم و فرزندان او مانند ستارگان آسمان کثیر خواهند شد. به همین دلیل است که کتاب پیدایش بر تولد اسحاق، پسر معجزه‌آسای ابراهیم از طریق سارا، تأکید می‌کند. و همچنین به این دلیل است که داستان کتاب مقدسی تمرکز زیادی بر یعقوب و بر دوازده پسر او دارد. تکثیر کمی اسرائیل، موضوعی مرکزی در دوره پاتریارک‌های اسرائیل است چون خدا اسرائیل را مقرر کرد تا ماموریت اولیه‌ای که به آدم و حوا داده بود را تحقق ببخشد. در وهله دوم، داستان‌های کتاب مقدسی درباره پاتریارک‌ها نیز روی حاکمیت اسرائیل بر زمین متمرکز می‌شوند. بسیار شبیه آنکه خدا آدم و حوا را در باغ عدن گذاشت، وعده داد که فرزندان ابراهیم سرزمین کنعان را تصاحب خواهند کرد. همانطور که خدا در پیدایش ۱۵: ۷ به ابراهیم گفت:

من هستم یهوه که تو را از اور کلدانیان بیرون آوردم، تا این زمین را به ارثیت، به تو بخشم (پیدایش ۱۵: ۷).

به همین دلیل است که کلام خدا آشکار می‌سازد ابراهیم قطعه زمینی نمادین به عنوان مقبره خانوادگی در کنعان خریداری کرد. این آیه همچنین توضیح می‌دهد که چرا خدا به یعقوب فرمان داد تا علیرغم خطر بزرگی که از سوی برادرش عیسو در انتظار او بود، به وطن خود برگردد.

کتاب پیدایش با اطمینان بخشی یوسف به برادرانش خاتمه می‌یابد که آنها مصر را ترک کرده و به سرزمین موعود باز خواهند گشت. دوره پاتریارکی زمانی بود که خدا وعده داد اسرائیل را کثرت می‌بخشد تا ملتی بزرگ تبدیل شود و حاکمیت بر سرزمین موعود را نیز به اسرائیل خواهد بخشید.

پس از دوره وعده برای پاتریارک‌های اسرائیل، پیشروی پادشاهی خدا در زمان خروج و فتح ادامه پیدا کرد.

خروج و فتح

به یاد دارید که وقتی موسی و اسرائیلیان از دریای سرخ رد شدند، سرود شکرگزاری از خدا سر دادند که در خروج ۱۵: ۱-۱۸ دیده می‌شود. متن فوق بر این حقیقت تاکید دارد که خدا اسرائیل را از مصر نجات داد تا با گسترش پادشاهی خود بر زمین، ماموریت اصلی آدم و حوا را پیش ببرد.

در خروج ۱۵: ۱۳ اینطور می‌خوانیم:

این قوم خویش را که فدیہ دادی، به رحمانیت خود، رهبری نمودی. ایشان را به قوت خویش به سوی مسکن قدس خود هدایت کردی (خروج ۱۵: ۱۳).

توجه کنید که اسرائیلیان خدا را ستایش کردند چون او آنها را به سوی «مسکن قدس» یا سکونتگاه خویش راهبری کرد.

همانطور که دیدیم، سرزمین موعود نیز درست مانند عدن باید مرکز حضور مقدس ویژه خدا بر زمین می‌بود. اما فراتر از این، باید توجه داشته باشیم اصطلاحی که در خروج ۱۵: ۱۳ «هدایت» ترجمه شده - ناهال (nahal - נַחַל) در عبری - در تعدادی از متون کلام خدا به معنای چوپانانی است که گوسفندان را هدایت می‌کنند. تصاویر شبانی از این دست، اغلب برای توصیف فعالیت‌های پادشاهان هم در خاور نزدیک باستان به طور عمومی، و هم در کتاب مقدس استفاده می‌شدند. خدا قوم خود را مانند یک پادشاه شبان به سوی مسکن مقدس خویش هدایت کرد. بنابراین جای تعجب نیست که موضوع پادشاهی و سلطنت خدا به صراحت در خروج ۱۵: ۱۷-۱۸ نمایان می‌شود. در پایان سرود کناره دریای سرخ می‌خوانیم:

ایشان را داخل ساخته، در جبل میراث خود غرس خواهی کرد، به مکانی که تو ای خداوند مسکن خود ساخته‌ای، یعنی آن مقام مقدسی که دست‌های تو ای خداوند مستحکم کرده است. خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالابد (خروج ۱۵: ۱۷-۱۸).

بر طبق این آیات، خدا اسرائیل را به سوی کوه مقدس خود و جایگاه مقدسی برد که بعداً معلوم شد اورشلیم است. و آن جایگاه مقدس کوهستانی «مسکن» خدا خواهد بود - یاشاو (yashav)

– (ישב) در زبان عبری – یعنی اصطلاحی که اغلب به تخت‌نشینی یک پادشاه اشاره می‌کند. در پرتو دیگر بن‌مایه‌های سلطنتی این متن، بهترین توضیح این است که این جایگاه مقدس محل تخت پادشاهی خداوند خواهد بود. به همین دلیل است که آیه ۱۸ بلافاصله خدا را با واژگان صریح سلطنتی ستایش می‌کند و می‌گوید که خدا از آنجا «سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد.»

اسرائیل نجات خدا را تجربه کرد و این سرود پیروزی را در کناره دریای سرخ سر می‌دهد: «خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد.» اما این نوع متفاوتی از پادشاه است... و بر خلاف پادشاهان دیگری که دور از دسترس زندگی می‌کنند و شاید تنها برخورداران با آنها، تصویرشان روی یک سکه باشد – یا تصویر آنها در تلویزیون یا روزنامه در دنیای امروزی – خدای اسرائیل، خداوند، پادشاه حقیقی، قوم خود را دعوت می‌کند تا بیایند و بر کوه مقدس او، سینا، همراهش باشند؛ و سپس از این هم عمیق‌تر، ابزاری می‌سازد، یعنی خیمه، جایی که خدا به معنای حقیقی کلمه می‌تواند نزول کند و برای همیشه در میان قوم خود ساکن شود.

- دکتر برایان راسل

وقتی خدا مانند پادشاه اسرائیل وارد عمل شد و قوم را مانند یک شبان به سرزمین موعود هدایت کرد، این کار را انجام داد تا آنها را پیرامون تخت سلطنتی خود بر روی زمین برقرار سازد. هدف خروج و فتح سرزمین موعود، برقراری مجدد حاکمیت خدا، سلطنت او، و پادشاهی‌اش بر زمین بود.

پس از بررسی پیشروی پادشاهی خدا در دوره‌های وعده، و خروج و فتح، باید به سومین مرحله تاریخ اسرائیل به عنوان یک ملت نگاه کنیم: یعنی دوره امپراتوری. اسرائیل تحت راهبری داوود و سلیمان تبدیل به یک سلطنت حقیقی با یک پادشاه انسانی شد که قوم خدا را در عبادت و اطاعت از دستورات خدا راهبری می‌کرد.

امپراتوری

متاسفانه، بسیاری از مفسران اوانجلیکال بر اساس باب ۸ اول سموئیل به اشتباه چنین باور کرده‌اند که خدا هرگز برنامه‌ای برای این نداشت که اسرائیل یک پادشاه انسانی داشته باشد. اما خدا از ایام پاتریارک‌ها آشکار کرد که اسرائیل در زمان مناسب یک پادشاه انسانی برای پیشبرد پادشاهی خدا خواهد داشت. خدا چنین معین ساخت که این پادشاه انسانی از نسل داوود باشد. او قوم اسرائیل، و در نهایت همه اقوام زمین را راهبری می‌کرد. و او آنها را در تحقق هدف اصلی بشریت راهبری می‌کرد تا پادشاهی خدا را به اقصای زمین گسترش بدهند. و البته همانطور که هر مسیحی می‌داند، عیسی همان پادشاه کامل و عادل از نسل داوود است که پادشاهی خدا را به همان شکلی که در آسمان وجود دارد، بر زمین خواهد آورد.

متاسفانه، پادشاه اسرائیل در تحقق این خواندگی از سوی خدا شکست خورد. در حقیقت، کتاب‌های اول و دوم پادشاهان روشن می‌سازند که بسیاری از پادشاهان اسرائیل، حتی از خاندان

داوود، قوم را به سوی طغیان علیه خدا راهبری کردند. و این طغیان‌ها در نهایت به مشکلات عظیم تبعید منجر شدند. با این حال به فیض خدا، حکمرانی داوود و پسرش سلیمان نشان‌دهنده یک حرکت رو به جلوی قابل توجه از پادشاهی بر زمین بود. این پادشاهان علیرغم خطایایی که انجام دادند، امنیت قلمروهای پادشاهی خدا را تامین کردند و آن را گسترش دادند. و با برقراری تخت پادشاهی داوود در اورشلیم، خدا سلسله‌ای دائمی را به وجود آورد که نماینده حکومت او بر زمین بود و هادی بسیاری در پرستش حقیقی خدا شد. گوش کنید که اول تواریخ ۲۹: ۲۳ چطور تخت پادشاهی داوود و سلیمان را توصیف می‌کند:

سلیمان بر کرسی خداوند نشست، به جای پدرش داوود پادشاهی کرد (اول تواریخ ۲۹: ۲۳).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، تخت پادشاهی داوود یک تخت معمولی نبود. آن تخت، «کرسی خداوند» بود. بسیار شبیه آدم و حوا که خوانده شده بودند تا به عنوان ولیعهدای خدا خدمت کنند، خاندان سلطنتی داوود نیز نماینده اقتدار سلطنتی خود خدا بود. علاوه بر این، خاندان داوود همچنین یک کهانت سلطنتی نیز بودند. داوود و سلیمان خدمات کاهنان و لایوانی که هادی قوم اسرائیل در پرستش خدا بودند را ترتیب دادند و بر آن نظارت می‌کردند. و داوود زمینه را برای سلیمان فراهم کرد تا معبدی برای خدا در اورشلیم بسازد. سلیمان تابوت عهدی که داوود به اورشلیم آورده بود را در معبد قرار داد. به باور داوود این تابوت عهد، پای‌انداز خدا بر روی زمین بود. همانطور که داوود در اول تواریخ ۲۸: ۲ اعلام کرد:

من اراده داشتم خانه‌ای که آرامگاه تابوت عهد خداوند و پای‌انداز پای‌های خدای ما باشد بنا نمایم، و برای بنای آن تدارک دیده بودم (اول تواریخ ۲۸: ۲).

همانطور که اشعیا ۶۶: ۱ به ما می‌گوید، تخت خدا در آسمان بود اما پای‌انداز تخت او، جایی که پای‌های او زمین را لمس می‌کرد، تابوت عهد در معبد بود. دقیقاً مانند زمانی که خدا در باغ عدن بر آدم و حوا پدیدار شد، جلال مرئی او معبد را پر ساخت. معبد اورشلیم به مرکز پادشاهی خدا بر زمین تبدیل شد.

بنابراین می‌بینیم که اسرائیل در زمان داوود و سلیمان از قبیله‌ای مهاجر در زمان ابراهیم، به ملتی برآمده از خروج و فتح، و به یک امپراتوری دارای پادشاه و معبدی در شهر اورشلیم تبدیل شد. اما هدف خدا از اینکه اسرائیل را به این نقطه رساند چه بود؟ هدف بزرگ امپراتوری اسرائیل چه بود؟ در مزمو ۷۲: ۱-۱۷، مزمو نویسنده سرنویس شکوهمند اسرائیل تحت حاکمیت خاندان داوود را اینگونه توصیف می‌کند:

انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه!... و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان... جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او

را بندگی خواهند نمود... نام او تا ابدالآباد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند (مزمور ۷۲: ۱-۱۷).

در این متن، مزمورنویس برای «پادشاه» و «پسر پادشاه» دعا کرد. او دعا کرد که خاندان داوود با ویژگی‌های «انصاف» و «عدالت» شناخته خواهد شد. اما او همچنین برای گسترش حاکمیت داوود به تمام زمین دعا کرد - که «از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان» حکمرانی کند. او دعا کرد تا «جمیع سلاطین» در حضور پادشاه اسرائیل تعظیم کنند و در خدمت او باشند. دعا کرد که «نام» پادشاه «تا ابدالآباد» باقی بماند و «اسم» او مانند «آفتاب» بادوام باشد. بنابراین جای تعجبی نیست که مزمورنویس در آیه ۱۷ این واژگان را درباره خاندان داوود می‌نویسد: «آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند.»

در اینجا اشاره‌ای به وعده خدا در پیدایش ۱۲: ۳ - اینکه ابراهیم برکتی برای تمام قبایل جهان خواهد بود - واضح است. هدف خدا از انتخاب ابراهیم و نسل او نهایتاً در زمانی محقق خواهد شد که خاندان داوود برکت خدا را به همه امت‌ها گسترش دهد. سپس ایمانداران عدالت خواهند یافت، و رفاه و صلح سراسر زمین را فرا می‌گیرد. مزمورنویس با در نظر داشتن این تصویر از آینده، در آیه ۱۹ با این طنین ستایش خدا خاتمه می‌دهد:

مبارک باد نام مجید او تا ابدالآباد. و تمامی زمین از جلال او پر بشود. آمین و آمین (مزمور ۷۲: ۱۹).

مزمور ۷۲: ۱۹ هدف غایی تمام تحولاتی که در اسرائیل از وعده‌ها به پاتریارک‌ها، در طی خروج و فتح، و تا به امپراتوری رخ دادند را آشکار می‌سازد. همه این مراحل پادشاهی برای مملو ساختن سراسر زمین از جلال خدا بود. در این حین که پادشاهی خدا در طول سلطنت خاندان داوود از مرزهای اسرائیل تا چهار گوشه زمین گسترش می‌یابد، حضور پر جلال خدا به همان شکلی که آسمان را پر می‌کند، تمام جهان را مملو خواهد ساخت.

یک روز همه زمین پر از درخشش خدا خواهد شد. نور خدا هر گوشه و کنار زمین را پر خواهد کرد تا بر اساس تصویر نمادین کتاب مکاشفه، حتی نیازی به وجود خورشید نباشد، چون جلال خدا خواهد تابید، در سرتاسر کیهان خواهد تابید. ما می‌بینیم که این طرح در باب ۱ پیدایش معرفی می‌شود که خدا مرد و زن را به صورت خود می‌آفریند و بعد رفته به آنها می‌گوید که زمین را پر کنند و آن را تحت سلطه خود در بیاورند؛ و به ما نشان می‌دهد که حتی در همان ابتدای راه در پیدایش باب ۱، نقشه خدا صرفاً پر کردن باغ نبود، بلکه پر کردن تمام زمین از تصویر خودش بود، یک تصویر پرستنده، که جلال او را به خودش منعکس می‌کرد.

- دکتر اسکات رد

تا به اینجا دیدیم که عهد عتیق چطور از پادشاهی خدا در معنایی گسترده و محدود صحبت می‌کند و چطور پادشاهی خدا در طول تاریخ آغازین و تاریخ قوم اسرائیل بسط یافت. اکنون به سراغ آخرین موضوعمان می‌رویم: یعنی تحقق پادشاهی خدا در عصر عهد جدید.

عهد جدید

اگر یک چیز وجود داشته باشد که همه مسیحیان باید در مورد آن متفق باشند، این است: جوهر خدمت عیسی، جوهر تمام عهد جدید، انجیل است. انتشار انجیل مسیحی، یا «خبر خوش» در مرکزیت ایمان مسیحی ما قرار دارد. اگرچه اکثر ما با این مسئله موافق هستیم، اما اغلب به این نکته فکر نمی‌کنیم که انجیل مسیحی چه ریشه عمیقی در عهد عتیق دارد. خبر خوش ایمان مسیحی اعلام این است که عیسی بر شکست‌های گذشته پادشاهی خدا غلبه می‌کند و موفق می‌شود حاکمیت پیروزمندانه خدا را تا اقصای جهان گسترش دهد. این خبر خوشی است که ما به آن ایمان داریم؛ یعنی خبر خوش پادشاهی خدا.

به طریقی که متی موعظه عیسی را در انجیل خود ۴: ۲۳ خلاصه کرد گوش بدهید:

عیسی در تمام جلیل می‌گشت، در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و مژده پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد (متی ۴: ۲۳، ترجمه شریف).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، عیسی به «اعلان انجیل» یا خبر خوش پرداخت. اما این خبر خوش درباره چه بود؟ خبر خوش درباره «پادشاهی» بود. خبر خوشی که ما به آن ایمان داریم و به دیگران نیز اعلام می‌کنیم این است که مسیح تمام امیدهای عهد عتیق برای آنکه پادشاهی خدا به همان طریق موجود در آسمان، به زمین بیاید را محقق می‌سازد.

وقتی که ما درباره انجیل پادشاهی صحبت می‌کنیم، یا خبر خوش حاکمیت خدا، مفید است به این نکته فکر کنیم که ایمانداران اولیه‌ای که از کتاب مقدس سیتواجتت – یعنی ترجمه یونانی عهد عتیق – استفاده می‌کردند چه تفکری درباره آن داشتند. خدا در باب ۵۲ اشعیا اعلام می‌کند که قوم خود را احیا خواهد کرد و می‌گوید... «چه زیبا است بر کوه‌ها پای‌های مبشر که... به خیرات بشارت می‌دهد و... به صهیون می‌گوید که خدای تو سلطنت می‌نماید.» و گفته می‌شود که خبر خوش صلح است، پس خبر خوش صلح با خداست، خبر خوش حاکمیت خداست، خبر خوش این است که خدا قوم خود را نجات می‌دهد، که خدا برای قوم خود وارد عمل می‌شود تا عدالت و انصاف را به جهان بیاورد... اما پیش از این، وقتی که عیسی برای اولین بار به این دنیا آمد، به ما نمونه‌ای از آن داد، یک پیش‌چش در حین اینکه مردم را شفا می‌داد و اعمال شگفت‌انگیز خود را به انجام

می‌رساند. آنها همگی نمونه‌ای از چیزهایی بودند که ما آنها را به طور کامل‌تر در کمال پادشاهی تجربه خواهیم کرد.

- دکتر کریگ کینر

ما پادشاهی خدا در عهد جدید را به همان طریقی بررسی خواهیم کرد که به کاوش در دیگر مراحل تاریخ کتاب مقدسی پرداختیم. نخست خواهیم دید که عهد جدید چه چیزی درباره مکان پادشاهی خدا می‌گوید. دوم، درباره مردمان پادشاهی صحبت خواهیم کرد. و سوم، به پیشروی پادشاهی خدا در طول دوره عهد جدید نگاه می‌کنیم. بیایید ابتدا به مکان پادشاهی خدا در عهد جدید نگاه کنیم.

مکان

متأسفانه بسیاری از پیروان صادق مسیح باور دارند که عهد جدید حرف زیادی برای بیان درباره پادشاهی خدا بر زمین ندارد. ما اغلب می‌شنویم که گرایش عهد عتیق به جهان فیزیکی بود، اما ایمان عهد جدید به حقایق آسمانی غیر فیزیکی و مسائل روحانی درونی گرایش دارد. حال، به نوعی این گفته‌ها درست هستند. پیروان مسیح نه شهروند پادشاهی‌های زمینی بلکه شهروند آسمان هستند چون در این لحظه، پادشاه ما عیسی، در آسمان و در دست راست پدر است. ما همچنین بر مسائل روحانی درونی هم تمرکز می‌کنیم چون در این زمان، حتی با وجود اینکه بدن‌های ما متحمل فساد می‌شوند اما روح القدس از درون احیایمان می‌کند. اما باید در اینجا بسیار مراقب باشیم. ایمان عهد جدید از اهداف پادشاهی زمینی خدا در عهد عتیق جدا نیست. بلکه ایمان عهد جدید اعلام می‌کند که عیسی آخرین مرحله پادشاهی خدا بر زمین را تحقق می‌بخشد. او پادشاهی صلح، شادی، و نیکی‌ی خدا را به چهار گوشه زمین گسترش می‌دهد.

از بسیاری جهات، عهد جدید همان جهت‌گیری‌ای را نسبت به مکان پادشاهی خدا دارد که در عهد عتیق می‌بینیم. نخست، عهد جدید نشان می‌دهد که مسیح کار پادشاهی خود را در مرکز جغرافیایی حاکمیت خدا آغاز می‌کند - یعنی در سرزمین اسرائیل. و دوم، عهد جدید همچنین تأکید می‌کند که چگونه مسیح فراخوان خدا برای بسط جغرافیایی حاکمیت او به اقصای زمین را تحقق می‌بخشد. بیایید ابتدا به مرکز جغرافیایی پادشاهی خدا در عصر عهد جدید نگاه کنیم.

مرکز

در طول دوره تاریخ آغازین، عدن و باغ مقدس مرکز جغرافیایی پادشاهی خدا بودند. بشریت می‌بایست از آنجا حاکمیت خدا را به اقصای زمین گسترش می‌داد. سپس خدا پادشاهی خود را در قوم اسرائیل و در سرزمین موعود بنا کرد. و از آنجا قوم خدا شروع به گسترش پادشاهی او تا به چهار گوشه دنیا کردند. این مرکز حاکمیت خدا بر زمین در ایمان عهد عتیق به قدری

حیاتی بود که نباید برای مان جای تعجب داشته باشد که در حیات عیسی، یعنی ماشیح اسرائیل نیز نقشی حیاتی داشت.

عیسی به غیر از مدت کوتاهی در دوران کودکی خود در مصر، تمام زندگی خود را در سرزمین موعود گذراند. عیسی در سرزمین اسرائیل متولد شد. در آنجا رشد کرد، شاگردانش را فرا خواند، خدمت کرد، مُرد، از مرگ برخاست، و از همانجا به آسمان صعود کرد. و حتی در روز پنتیکاست، عیسی بسیاری از یهودیانی که در بین اقوام دیگر پراکنده بودند را دوباره در سرزمین موعود گرد هم آورد تا خبر خوش را بشنوند.

برای درک اینکه چرا این مکان خدمت زمینی عیسی اهمیت بسیاری دارد، باید آنچه را که پیش از میلاد عیسی در سرزمین موعود رخ داده بود در نظر بگیریم. تحت حاکمیت داوود و فرزندان او، خدا اسرائیل را به عنوان یک پادشاهی در سرزمین موعود شکل داد. اما در اواخر تاریخ عهد عتیق یک تراژدی عظیم رخ داد. قوم اسرائیل و پادشاهان آنچنان علیه خدا طغیان کردند که خدا اکثر اسرائیلیان را از آن سرزمین به تبعید فرستاد. ملل غیر یهودی و خدایان دروغین و شیطانی‌شان که این ملل به آنها خدمت می‌کردند، حتی بر اسرائیلیانی که هنوز در میان ویرانه‌های سرزمین موعود زندگی می‌کردند نیز حاکم شدند.

پیش از آنکه عیسی به زمین بیاید، فرزندان اسرائیل بیش از ۵۰۰ سال تحت این داوری خدا رنج کشیده بودند. حتی در طول خدمت زمینی عیسی نیز سرزمین موعود تحت حاکمیت امپراتوری روم قرار داشت. زمین مملو از گناه و تاریکی بود، و ارواح شیطانی به آن هجوم آورده بودند. اما عیسی آمد تا این شرایط وخیم را تغییر دهد و نیز آخرین مرحله پادشاهی خدا را بر زمین بیاورد. به روایت لوقا در انجیل لوقا ۴: ۱۷-۱۹ از یکی از نخستین موعظه‌های عیسی در کنیسه ناصره گوش کنید:

آنگاه صحیفه اشعیای نبی را بدو دادند و چون کتاب را گشود، موضعی را یافت که مکتوب است «روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکست‌دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوبیدگان را آزاد سازم، و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم» (لوقا ۴: ۱۷-۱۹).

عیسی در اینجا به امیدهای عهد عتیق برای موفقیت نهایی اهداف پادشاهی خدا اشاره کرد. این نبوت از باب ۶۱ اشعیا پیشگویی می‌کرد که وقتی داوری تبعید به پایان برسد، خدا قوم خود را برکت خواهد داد. عیسی به «فقیران»، «شکست‌دلان»، «اسیران»، «کوران»، و «کوبیدگان» اشاره کرد تا شرایط وحشتناکی که مردم اسرائیل تحت لعنت تبعید متحمل شده بودند را به رسمیت بشناسد. اما او همچنین به همراهانش یادآوری کرد که فرد موعودی این تبعید را پایان می‌بخشید. او «روح خداوند» را بر خود داشت؛ کسی که خدا «مسح» کرد. این مسح‌شده، پادشاه مسیحایی، «سال پسندیده خدا» یا رحمت او نسبت به قومش را اعلام می‌کرد. او «خبر خوش» یا انجیل را به «فقیران»، «آزادی را به اسیران»، «بینایی را به کوران» اعلام می‌کرد، و «کوبیدگان» را

آزاد می‌ساخت. و حالا از لوقا ۴: ۲۰-۲۱ بشنوید که عیسی پس از قرائت این کلمات امیدبخش چه کرد:

[عیسی] کتاب را به هم پیچیده، به خادم سپرد و بنشست و چشمان همه اهل کنیسه بر وی دوخته می‌بود. آنگاه بدیشان شروع به گفتن کرد که "امروز این نوشته در گوش‌های شما تمام شد" (لوقا ۴: ۲۰-۲۱).

عیسی متهورانه اعلام کرد که او همان فرد پیشگویی شده عهد عتیق برای پایان‌بخشی به تبعید اسرائیل و نزول برکات خدا بر قومش است. به همین دلیل است که عهد جدید بر آنچه عیسی در سرزمین وعده انجام داد تمرکز زیادی دارد. او نخست به سرزمین اسرائیل آمد تا بقیه وفاداری از فرزندان ابراهیم را در مرکز جغرافیایی پادشاهی خدا بر زمین رهایی ببخشد. حال مهم است دقت کنیم که مرکز جغرافیایی پادشاهی خدا در عهد جدید، سرزمین موعود بود. اما به همان اندازه نیز مهم است که در نظر داشته باشیم بسط جغرافیایی نهایی و کاملاً موفقیت‌آمیز پادشاهی خدا تا اقصای زمین، با اولین ظهور عیسی آغاز شد.

بسط

همانطور که پیش‌تر ذکر کردیم، عیسی در متی ۶: ۱۰ به شاگردان خود در خلال بیان این جمله تعلیم داد تا برای بسط پادشاهی خدا در سرتاسر زمین دعا کنند:

ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود (متی ۶: ۱۰).

عیسی در سرتاسر خدمت خود، چشمان شاگردانش را بر این هدف جهانی متمرکز نگه داشت. همانطور که در متی ۲۴: ۱۴ می‌خوانیم، عیسی به شاگردانش گفت:

به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید (متی ۲۴: ۱۴).

پیام خبر خوش فرا رسیدن پادشاهی خدا باید در تمام جهان منتشر می‌شد، و بعد از آن عیسی باز می‌گشت. عهد جدید تاکید می‌کند که عیسی و رسولان و انبیای قرن اولی او خود را وقف بسط پادشاهی خدا از سرزمین موعود به همه اقوام جهان ساختند. با در نظر داشتن این گرایش نسبت به مکان پادشاهی خدا در عهد جدید، باید توجه‌مان را به مردمان پادشاهی در عهد جدید معطوف کنیم.

مردمان

در ابتدا خدا چنین مقرر ساخت که انسان‌ها پادشاهی او را گسترش دهند. خدا همچنین اسرائیل را به طریقی ویژه به این وظیفه فرا خواند و خاندان داوود را معین کرد تا قوم اسرائیل را در تحقق این فراخوان راهبر شوند. اما همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، در پایان تاریخ عهد عتیق خاندان داوود و قوم اسرائیل به قدری از این فراخوان دور شدند که خدا آنها را با دهشت تبعید لعنت کرد. و به مدت صدها سال قوم اسرائیل تحت ستم دشمنان خدا، رنج کشیدند.

بنابراین جای تعجب ندارد که عیسی و شاگردان او از «انجیل» یا خبر خوش صحبت کردند. آنها به اعلام این خبر خوش پرداختند که طرح اصلی خدا برای نژاد بشری در شرف تحقق توسط عیسی بود. عیسی دشمنان خدا را مغلوب می‌ساخت و قوم خدا در سرتاسر زمین را برکت می‌داد.

برای درک اینکه عهد جدید چطور توجهات را به مردمان پادشاهی خدا جلب می‌کند، به دو موضوع خواهیم پرداخت: نخست، خدمت خود مسیح به عنوان تصویر اعلا و کاملا عادل خدا؛ و دوم، خدمت ایمانداران به عنوان تصاویر احیا شده خدا. بیایید ابتدا خدمت وفاداران مسیح به عنوان تصویر اعلائی خدا را در نظر بگیریم.

مسیح

در بسیاری از حوزه‌ها، مسیحیان آگاهی کمی از این مسئله دارند که چرا دومین شخص تثلیث، کلمه ازلی، جسم پوشید. ما به درستی تصدیق می‌کنیم که عیسی کاملا خدا و کاملا انسان است، اما اغلب تقریبا به طور کامل بر الوهیت مسیح متمرکز می‌شویم. و در نتیجه، امروزه اغلب برای پیروان مسیح دشوار است که بیان کنند چرا دومین شخص تثلیث ازلی همانند یکی از ما شد. چرا تجسم عیسی ضرورت داشت؟ پاسخ عهد جدید صریح و واضح است: عیسی انسان شد تا آن نقش مهمی که خدا از ابتدا برای تصویر خود مقرر ساخته بود را تحقق ببخشد.

عهد جدید از راه‌های زیادی بر اهمیت این انسانیت مسیح تاکید می‌کند، اما ما فقط از دو جهت به آن نگاه می‌کنیم: نخست، تعلیم عهد جدید در این باره که عیسی آدم آخر است؛ و دوم، این حقیقت که عیسی کاهن و پادشاه خدا از خاندان داوود است. بدین ترتیب، عهد جدید از اینکه می‌گوید عیسی آدم آخر است چه منظوری دارد؟

آدم آخر. تقریبا تمام دانشجویان کتاب مقدس می‌دانند که پولس رسول شباهتی بین آدم و مسیح ترسیم کرد. پولس در رومیان ۵: ۱۲-۲۱ و دیگر متون تعلیم داد که گناه آدم به قدری در نظر خدا اهمیت داشت که او نژاد بشر را به درماندگی و داوری ابدی محکوم کرد. اما باز هم همانطور که پولس توضیح داد، اطاعت کامل عیسی از خدا به واسطه رنج و مرگ او بر صلیب به قدری در نظر خدا اهمیت داشت که او به همه ایمانداران مسیح حیات ابدی بخشید. به اول قرن‌تین ۱۵: ۲۱-۲۲ و طریقی که پولس بر اهمیت انسانیت عیسی در این رابطه تاکید کرد، گوش کنید. پولس نوشت:

چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد. و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت (اول قرن‌تین ۱۵: ۲۱-۲۲).

ما به قدری عادت کرده‌ایم که نجات را هدیه‌ی رایگان فیض خدا بدانیم که شاید بسیاری از ما انتظار داشتیم پولس چیزی شبیه به این بنویسد: چون همانطور که مرگ به واسطه‌ی یک انسان پدید آمد، رستاخیز از مرگ نیز «به فیض خدا» حاصل شد. حال، این جمله قطعاً درست می‌بود چون نجات در مسیح با فیض خداست. اما این چیزی نیست که پولس رسول در اینجا بر آن تأکید کرد.

بلکه پولس نوشت درست همانطور که مرگ از طریق یک انسان آمد – یعنی آدم – قیامت از مرگ، یعنی هدف نجات نیز از طریق یک انسان، یعنی مسیح، میسر شد. آدم به عنوان اولین انسان و اولین تصویر خدا، در خدمت به اهداف پادشاهی خدا شکست خورد و مرگ را برای همه به ارمغان آورد. اما خدا هرگز حکم خود مبنی بر اینکه پادشاهی او از طریق انسان‌ها به زمین خواهد آمد را ملغی نکرد. بنابراین ضرورت داشت که یک انسان – یک تصویر عادل و کاملاً مطیع خدا – آنچه آدم در انجام آن شکست خورد را به انجام برساند. قوم وفادار خدا هزاران سال برای چنین انسانی دعا کردند. و مسیح همان آدم عادل است که نجات را به ارمغان می‌آورد، که حیات احیا شده را برای تمام کسانی که به او ایمان بیاورند در پادشاهی خدا فراهم می‌سازد.

عیسی تصویر کامل خدا است. عیسی آدم ثانی است؛ همانطور که در اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵ می‌خوانیم، او «آدم آخر» است که قدرت خدا بود. و قدرت فوق‌العاده خدا در کمال عیسی به نمایش در آمد، چون او انسانی شد که گناه نکرد، انسانی که از گناه متولد نشد. اگر به متی ۱: ۱۹-۲۰ نگاه کنیم، می‌بینیم که روح عیسی از یوسف یا مریم، یا نسل آدم نشئت نگرفت، بلکه از روح‌القدس آمد. بنابراین، حیات او حیاتی از درون کامل بود؛ قدوسیت او از درون کامل بود، حتی با وجود اینکه او جسم و خون انسانی داشت.

- یوهانس پرتووارسو

علاوه بر اینکه مسیح آدم آخر است، عهد جدید همچنین تأکید می‌کند که او به عنوان کاهن و پادشاه خدا در آخرین مراحل پادشاهی نیز خدمت می‌کند.

کاهن و پادشاه. به یاد دارید که آدم و حوا ابتدا به عنوان کاهنان سلطنتی خدا خدمت کردند. و خدا قوم اسرائیل را فرا خواند تا به عنوان مملکت گهنة او، کل نژاد بشر را در خدمت به او راهبری کنند. همچنین دیدیم که وقتی اسرائیل به یک پادشاهی تمام عیار تبدیل شد، خدا کاهنان و پادشاهانی، به ویژه داوود و خاندان او را، مسح کرد تا به عنوان کاهنان سلطنتی او خدمت کنند. به همین دلیل است که نویسندگان عبرانیان بارها بر کهنات سلطنتی مسیح تأکید می‌کند. همانطور که او در عبرانیان ۴: ۱۴ نوشت:

رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمان‌ها درگذشته است یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم (عبرانیان ۴: ۱۴).

هنگامی که عیسی بر روی صلیب جان سپرد، خود را به عنوان قربانی نهایی برای مرگ تقدیم کرد. او به نمایندگی از همه کسانی که به ایمان می‌آورند، داوری خدا را بر خود گرفت. علاوه بر این، عهد جدید همچنین تاکید می‌کند که عیسی، آن مسیح عادل خاندان داوود، تا ابد بر تخت داوود می‌نشیند. گوش کنید که چطور جبرئیل فرشته خبر میلاد عیسی را در لوقا ۱: ۳۲-۳۳ اعلام کرد:

او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسمی شود، و خداوند خدا تخت پدرش داوود را بدو عطا خواهد فرمود. و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت خواهد بود (لوقا ۱: ۳۲-۳۳).

از آنجا که عیسی کاملاً کهنات سلطنتی خاندان داوود را به انجام رساند، پادشاهی خدا تحت راهبری او هرگز پایان نخواهد یافت. اهداف پادشاهی خدا تحت حاکمیت عیسی محقق خواهند شد. هنگامی که مردمان پادشاهی خدا در عصر عهد جدید را در نظر می‌گیریم، مسیح بدون تردید تصویر اعلای خدا است که آن خدمتی که خدا به آدم، اسرائیل، و خاندان داوود سپرد را تحقق می‌بخشد. اما، عهد جدید همچنین تاکید می‌کند که همه ایمانداران حقیقی با مسیح همراه شده‌اند و بنابراین، کلیسا نیز اکنون به عنوان مردمان پادشاهی خدا خدمت می‌کند.

ایمانداران

در ابتدای دوره عهد جدید، کلیسای مسیحی تقریباً به طور انحصاری از افراد یهودی تشکیل شده بود – یعنی فرزندان فیزیکی ابراهیم که توبه کرده و ایمان خود را در عیسی به عنوان مسیح قرار داده بودند. عیسی، و رسولان و انبیای او یهودی بودند، و همه کسانی که در روز پنتیکاست ایمان آوردند هم یهودی بودند. در این روزهای آغازین عصر عهد جدید، خدا بقیته وفادار از آن یهودیانی که در سرزمین موعود زندگی می‌کردند و آنانی که در میان غیر یهودیان پراکنده بودند را گرد آورد.

اما طولی نکشید که چیزی بسیار غافل‌گیر کننده رخ داد. خدا تحقق این وعده خود را آغاز کرد که ابراهیم و ذریه او با گردآوری تعداد زیادی از غیر یهودیان در پادشاهی خدا، برکات پادشاهی او را منتشر خواهند کرد. به همین دلیل است که عهد جدید همه پیروان مسیح، از جمله ایمانداران غیر یهودی را تصاویر احیا شده خدا می‌خواند. همانطور که پولس در افسسیان ۴: ۲۴ توضیح داد، ایمانداران باید:

انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است [پوشند] (افسیان ۴: ۲۴).

و باز هم به همین دلیل است پطرس در اول پطرس ۲: ۹ کلیسای عهد جدید – متشکل از یهودیان و غیر یهودیان – را به عنوان کهنات سلطنتی خدا توصیف کرد. پطرس در آنجا می‌نویسد:

شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت، به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید (اول پطرس ۲: ۹).

پطرس در اینجا به خروج ۱۹: ۶ اشاره کرد که خدا نخستین بار قوم اسرائیل را «مملکت کهنه» خود خواند. اما پطرس این عبارات را در مورد کلیسا – هم یهودیان و هم غیر یهودیان – به کار برد.

پیروان مسیح از هر نژادی روی زمین در خانواده ابراهیم پذیرفته می‌شوند تا کل کلیسای مسیح «قبیله برگزیده، کهنات ملوکانه، امت مقدس، و قوم ملک خاص خدا» باشند. همه پیروان مسیح به عنوان کاهنان سلطنتی خدا در جهان خدمت می‌کنند. ما «فضایل» مسیح را اعلام می‌کنیم و ماموریتی را تحقق می‌بخشیم که در ابتدا به اسرائیل داده شد تا به عنوان کسانی که جهان را به سوی برکات خدا هدایت می‌کنند، آن را انجام دهند.

در اول پطرس ۲: ۸-۹، پطرس به قوم خدا می‌گوید که آنها کیستند و اینکه آنها قوم برگزیده هستند، مردمی که در حقیقت از دنیا بیرون کشیده شده‌اند؛ آنها به خدا تعلق دارند. اما آنها با مردمانی هدفمند هستند، اینکه نقش کهناتی دارند که می‌تواند در واقع شفاعت کند؛ نه مانند کاهنان قدیم که قربانی تقدیم می‌کردند، بلکه آنها در واقع برای مردمان، برای قوم خدا شفاعت می‌کنند... خدا ما را برای هدفی در اینجا قرار داد، و آن هدف در واقع این است که فضایل او را اعلام کنیم تا بسیاری از مردم او را بشناسند و به او ایمان بیاورند. اما ما همچنین خوانده شده‌ایم تا متفاوت باشیم، و معنایش این است که ما در واقع مردمانی مقدس هستیم. ما باید مجزا باشیم.

- دکتر ویانی سیندو

حال که هم مکان و هم مردمان پادشاهی در عصر عهد جدید را دیدیم، باید به سراغ پیشروی پادشاهی در عهد جدید برویم.

پیشروی

از بسیاری جهات، پیشروی ملکوت خدا در عهد جدید یکی از بنیادی‌ترین تعالیمی است که در کتاب مقدس می‌بینیم. به قدری بنیادین بود که اکثر یهودیان در قرن اول، عیسی را به عنوان

مسیح رد کردند. حال، فرقه‌ها و انشعابات زیادی در میان یهودیان روزگار عیسی وجود داشت. بسیاری از ما درباره آنها شنیده‌ایم: فریسیان و صدوقیان که قدرت را در اورشلیم به دست داشتند، غیوران که در صدد براندازی حکومت رومیان از طریق خشونت بودند، و تعدادی از جوامع محروم صحرانشین. همه آنها علیرغم اختلافات زیادشان امیدوار بودند که ماشیح به زودی ظهور کند و پیروزی برق‌آسا و قاطع پادشاهی خدا بر شرارت را در سراسر جهان به ارمغان بیاورد. اما عیسی و رسولان و انبیای قرن اولی او این انتظار عمومی را به چالش کشیدند. آنها چیزی را اعلام کردند که تا زمان توضیح آن توسط خود عیسی، پنهان بود: عیسی ماشیح است اما او پادشاهی خدا را طی دوره‌ای طولانی از زمان بر زمین می‌آورد.

به متی ۱۳: ۳۱-۳۲ و طریقی گوش کنید که عیسی توضیح داد چگونه پادشاهی خدا به زمین می‌آید:

ملکوت آسمان مثل دانه خردلی است که شخصی گرفته، در مزرعه خویش کاشت. و هرچند از سایر دانه‌ها کوچکتر است، ولی چون نمو کند بزرگترین بقول است و درختی می‌شود چنانکه مرغان هوا آمده در شاخه‌هایش آشیانه می‌گیرند (متی ۱۳: ۳۱-۳۲).

عیسی در این مثل اعلام کرد که پادشاهی خدا به جای ظهور ناگهانی و فاجعه‌بار، آهسته و کوچک مانند دانه خردل آغاز خواهد شد. اما با گذشت زمان، پادشاهی رشد کرده و گسترش پیدا می‌کند و مانند یک بوته خردل بزرگ خواهد شد. همانطور که مابقی عهد جدید به ما می‌گوید، پادشاهی به شکلی نسبتاً کوچک و آهسته با خدمت زمینی عیسی آغاز شد. اما در نهایت وقتی که عیسی بازگردد، پادشاهی او در سرتاسر زمین گسترش خواهد یافت.

در راستای این تعلیم از پیشروی پادشاهی خدا در عصر عهد جدید صحبت خواهیم کرد که طی سه مرحله اصلی آشکار می‌شود.

اولین مرحله تاسیس پادشاهی بود که در خدمت مسیح و رسولان و انبیای قرن اولی او شکل گرفت. بیش از ۲۰۰۰ سال پیش، عیسی آخرین مرحله پیروزمندانه پادشاهی پر جلال خدا بر زمین را تاسیس کرد. به همین دلیل است پولس رسول در افسسیان ۲: ۲۰ وقتی درباره کلیسا صحبت می‌کند چنین می‌گوید که، «بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است.»

دومین مرحله پادشاهی خدا در مسیح را می‌توانیم تداوم پادشاهی بخوانیم. این مرحله یک برهه زمانی طولانی است که طی آن پادشاهی خدا در سراسر تاریخ کلیسا رشد می‌کند. در طول این مدت، مسیح به گسترش پادشاهی خود از طریق اعلام انجیل در سراسر جهان ادامه می‌دهد. و پیروان خود را فرا می‌خواند تا آنها نیز گسترش پادشاهی خدا را بالاترین اولویت خود بسازند. درست همانطور که عیسی در متی ۶: ۳۳ اعلام کرد:

اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید (متی ۶: ۳۳).

ما باید در هر روز حیاتمان به دنبال گسترش پادشاهی خدا و حکمرانی عادلانه او در سرتاسر جهان باشیم.

سومین مرحله پادشاهی خدا در مسیح، تکمیل آتی پادشاهی است. این زمانی است که مسیح بر می‌گردد و طرح خدا برای تبدیل همه جهان به پادشاهی او را به انجام می‌رساند. گوش کنید که یوحنا چطور این بخش نهایی پادشاهی خدا را در مکاشفه ۱۱: ۱۵ توصیف می‌کند:

فرشته‌ای بنواخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند: «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالابد حکمرانی خواهد کرد» (مکاشفه ۱۱: ۱۵).

وقتی مسیح به زمین بر می‌گردد، همه دشمنان خدا را شکست خواهد داد و پادشاهی جهان به پادشاهی خدا و مسیح او تبدیل خواهد شد. و از آن زمان به بعد، او «تا ابدالابد حکمرانی خواهد کرد.»

ما پیروان مسیح، به تمام کارهایی که او در تاسیس پادشاهی انجام داد نگاه می‌کنیم. ما ایمان و امیدمان را در حیات، مرگ، رستاخیز، صعود، و نزول روح القدس قرار می‌دهیم که دو هزار سال پیش رخ داد. همچنین به کاری که مسیح در طول تداوم پادشاهی انجام می‌دهد ایمان داریم. کلیسا تحت راهبری مسیح صعود کرده، و در قوت روح القدس، به گسترش خبر خوش در میان همه ملل ادامه داده است. و البته، ایمان و امیدمان را در آنچه قرار می‌دهیم که مسیح در آینده، در تکمیل پادشاهی انجام خواهد داد. مسیح در جلال باز خواهد گشت و خلقت جدید خدا را که مملو از جلال اوست، به ارمغان خواهد آورد.

نتیجه‌گیری

در این درس به معرفی موضوع متحدکننده‌ای پرداختیم که همه آنچه در عهد عتیق آمده را به هم پیوند می‌دهد: یعنی پادشاهی خدا. دیدیم که چطور همه نویسندگان عهد عتیق در مفهومی گسترده باور داشتند که خدا همیشه حاکم بی‌نظیر تاریخ بوده و خواهد بود. اما آنها همچنین در مفهومی محدود باور داشتند که حاکمیت خدا در طول زمان آشکار خواهد شد و بدین ترتیب فرامین خدا به همان طریقی که در آسمان اجرا می‌شوند، بر روی زمین نیز انجام خواهند شد. دستیابی به این هدف تاریخ، از دوران تاریخ آغازین شروع شد. به عمل خدا در تاریخ قوم اسرائیل بسط پیدا کرد. و این هدف برای تاریخ، توسط مسیح در عصر عهد جدید محقق شد.

همه کسانی که عهد عتیق را مطالعه کرده‌اند می‌دانند که ممکن است گیج‌کننده باشد. از این رو مهم است که همیشه تصویر بزرگ را در نظر داشته باشیم. همه نویسندگان عهد عتیق مجموعه عقاید مشترکی درباره پادشاهی خدا داشتند و کتاب‌های خود را برای پیشبرد پادشاهی خدا بر روی زمین نوشتند. آنها می‌دانستند که خدا زمین را آفرید تا پادشاهی او شود، آن را با جلال خود پر خواهد کرد و اینکه روزی از هر مخلوق، ستایشی بی‌پایان دریافت خواهد کرد. خدا این هدف را

از طریق انسان‌ها، یعنی تصاویر خود، به انجام خواهد رساند. و علیرغم چالش‌های شریر، این پادشاهی شکست نخواهد خورد. عهد عتیق در هر مرحله پیش‌بینی می‌کند که عیسی همان کسی است که هدف خدا را تحقق می‌بخشد. عیسی پادشاهی خدا را بر زمین برقرار خواهد ساخت. و شادی سلطنت با او در آن پادشاهی باشکوه را به همه آنانی که به وی ایمان دارند، تا ابد عطا خواهد کرد.